



اضطراب چه تأثیری بر تمرکز دارد؟

صفحه ۳

آتش جنگ بر خرمن تجارت؛
«سرمایه گذاران در حال فرار
از افغانستان اند»

صفحه ۳

آینده‌ی افغانستان پس از خروج نیروهای ناتو و ایالات متحده

صفحه ۴

«برای چین هیچ چیز
مهم‌تر از ثبات نیست»



صفحه ۵

آیا زبان پشتو رو به انقراض است؟

صفحه ۷

یادداشت روز

تجربه‌ی ناکام نهادهای موازی

پس از هفته‌ها رایزنی، کشمکش‌های نهایی جناح‌ها و بازی چهره‌های سیاسی بر سر میزان سهم در اداره‌ی امور کشور، به‌نظر می‌رسد اعلام رسمی شورای عالی دولت در شرف نهایی شدن قرار گرفته است. قرار است شورایی با حدود ۱۵ عضو و متشکل از چهره‌های ارشد سیاسی و رهبران جناح‌های سیاسی مطرح، در چارچوب شورای عالی دولت گرد هم آیند. اما آنچه هنوز محل نزاع و رایزنی است، حدود صلاحیت این شورا است.

حمدالله محب، مشاور شورای امنیت ملی گفته مأموریت اصلی شورای عالی دولت رهبری و مدیریت روند صلح است و در امور حکومت‌داری و اداره‌ی امور کشور دخالتی ندارد. هرچند در جریان مذاکرات بر سر تشکیل این شورا، یکی از اختلافات اساسی میان حکومت و جناح‌های سیاسی، مشورتی یا اجرایی بودن صلاحیت آن نیز بود.

براساس توافقنامه‌ی سیاسی میان رئیس‌جمهور غنی و عبدالله عبدالله که از دل یک تنش سیاسی شدید، مشروعیت سیاسی حکومت رئیس‌جمهور غنی را تأمین کرد...

۲

افغانستان برای خرید سلاح و تجهیزات نظامی از روسیه اعلام آمادگی کرد

سفیر افغانستان در گفت‌وگو با خبرنگاری تاس همچنين ابراز امیدواری کرده است که روسیه در راستای تعمیر تجهیزات نظامی ارتش افغانستان به‌ویژه چرخ‌بال‌های روسی کمک کند.



صفحه ۲

هفت نفر در پی
اصابت مرمی
هاوان بر یک
مراسم عروسی در
کاپیسا کشته شدند



۲

معین اسبق وزارت شهرسازی به اتهام اختلاس و تزویر به زندان محکوم شد

اطلاعات روز: دادگاه عالی کشور می‌گوید که خاطره سادات، معین اسبق مالی و اداری وزارت شهرسازی و پنج نفر دیگر به اتهام اختلاس و تزویر به زندان محکوم به مجازات شده است...

۲

وزارت داخله:
در یک ماه گذشته
۲۴۸ غیرنظامی
توسط طالبان
کشته شدند



۲

فروش زمین

یک قطعه زمین به مساحت {9080 متر مربع} واقع قرغه {تاحیه 5، کابل - افغانستان} به قیمت مناسب به فروش رسانیده میشود. ضرورت مندان و اشخاصیکه خواهان خریداری آن باشد به شماره تلفون های ذیل تماس گرفته معلومات اخذ نمایند.

+93 (0)797888154 / +93 (0)798888802



Join Us to Actualize Your Academic Dreams!

شروع سمسٹر جدید June 1, 2021

خانه موفقیت
The TOEFL HOUSE
Unlock the World with TOEFL

TOEFL House

0747 994 244
0745 651 844
0747 918 200

شعبه کونہ سنگی: گولابی دواخانہ، ایستگاه سابقہ.
شعبه برجی: ایستگاه مغزہ، روپروی جلیلی سنتر.
شعبه سلیم کارون: سرک چهل مترہ، چہارلہی سلیم کارون

ادامه‌یادداشت‌روز

افغانستان برای خرید سلاح و تجهیزات نظامی از روسیه اعلام آمادگی کرد

که روسیه در راستای تعمیر تجهیزات نظامی ارتش افغانستان به‌ویژه چرخ‌بال‌های روسی کمک کند. آقای جواد در عین حال گفته که امیدوار است روسیه فرصتی را برای آموزش خلبانان و انجنیران میکانیک افغانستان فراهم کند. این درحالی است که روند خروج تمامی نیروهای خارجی از افغانستان از اول ماه می رسماً آغاز شده است. این روند قرار است تا ۱۱ سپتامبر سال جاری میلادی تکمیل شود.

اطلاعات روز: سید طیب جواد، سفیر افغانستان در مسکو گفته است که کابل آماده است از روسیه سلاح و تجهیزات نظامی خریداری کند. آقای جواد این اظهارات را در گفت‌وگو با خبرنگاری روسی «تاس» مطرح کرده است. گزارش خبرگزاری تاس دو روز پیش (شنبه، ۸ جوزا) منتشر شده است. سفیر افغانستان در گفت‌وگو با خبرنگاری تاس همچنین ابراز امیدواری کرده است

معین اسبق وزارت شهرسازی به اتهام اختلاس و تزویر به زندان محکوم شد

بابت تزویر حواله شماره ۱۲۳ و رد مبلغ شش میلیون و ۷۹ هزار و ۶۹۴ افغانی بابت تزویر حواله شماره ۲۶۰ محکوم به مجازات شده‌اند. همچنین، جلسه‌ی قضایی دادگاه ابتدایی رسیدگی به جرایم سنگین فساد اداری در قضیه‌ی تزویر حواله شماره ۴۰۴، محمدناصر، ذبیح‌الله، خاطره سادات، فخرالدین و عظیم‌الدین را به رد مبلغ هشت میلیون و ۹۸۷ هزار و ۴۴۰ افغانی طور علی‌السویه محکوم به مجازات کرده است.

عمومی کنترل وزارت شهرسازی به مدت یک سال و دو ماه حبس تنفیذی محکوم به مجازات شده است. سخن‌گوی دادگاه عالی در ادامه گفت که محمدناصر، ذبیح‌الله، خاطره سادات و حفیظ‌الله به رد مبلغ شش میلیون و ۲۹۶ هزار و ۸۸۰ افغانی در قضیه‌ی تزویر حواله شماره ۱۰۱ محکوم به مجازات شده‌اند. آقای قویم علاوه کرد که در یک قضیه دیگر، محمدناصر، ذبیح‌الله، خاطره سادات، حفیظ‌الله و فخرالدین به رد مبلغ هفت میلیون و ۱۷۹ هزار و ۶۹۴ افغانی

اسبق مالی و اداری وزارت شهرسازی، محمد ناصر، متخصص امور مالی و حسابی وزارت شهرسازی و ذبیح‌الله، کارمند ارشد مالی وزارت شهرسازی هر کدام به چهار سال و هشت ماه حبس تنفیذی محکوم به مجازات شده‌اند. قویم در عین حال گفت که فخرالدین، آمر مالی بودجه عادی وزارت شهرسازی و حفیظ‌الله، عضو مدیریت کنترل وزارت شهرسازی هر کدام به سه سال و شش ماه حبس تنفیذی محکوم به مجازات شده‌اند. همین‌طور، به‌گفته‌ی او، عظیم‌الدین، مدیر

اطلاعات روز: دادگاه عالی کشور می‌گوید که خاطره سادات، معین اسبق مالی و اداری وزارت شهرسازی و پنج نفر دیگر به اتهام اختلاس و تزویر به زندان محکوم به مجازات شده است. احمدفهم قویم، سخن‌گوی دادگاه عالی دیروز (یک‌شنبه، ۹ جوزا) به روزنامه اطلاعات روز گفت که دادگاه ابتدایی رسیدگی به جرایم سنگین فساد اداری در جلسه‌ی علنی قضایی دو روز پیش این حکم را صادر کرده است. آقای قویم گفت که خاطره سادات، معین

وزارت داخله:

در یک ماه گذشته ۲۴۸ غیرنظامی توسط طالبان کشته شدند

کرده است. از سویی هم، او تأکید کرده است که نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان همواره پاسخ این جنایت طالبان را داده‌اند. گروه طالبان اما تلفات غیرنظامیان در حملات این گروه را رد می‌کند. ذبیح‌الله مجاهد، از سخن‌گویان این گروه در صحبت با روزنامه اطلاعات روز گفت که ادعای دولت افغانستان در خصوص تلفات غیرنظامیان توسط طالبان به حملات خود دولت بر می‌گردد. او تأکید کرد که بیشتر غیرنظامیان در جریان عملیات نیروهای دولتی آسیب می‌بینند.

اطلاعات روز: وزارت امور داخله‌ی کشور می‌گوید که در جریان ۲۹ روز گذشته، ۲۴۸ غیرنظامی در نتیجه‌ی انفجار ماین‌ها و حملات جنگ‌جویان گروه طالبان کشته شده‌اند. طارق آربن، سخن‌گوی وزارت داخله دیروز (یک‌شنبه، ۹ جوزا) گفته است که در این مدت (از ۱۱ ثور الی ۱۱ جوزا)، ۵۲۷ غیرنظامی دیگر هم در نتیجه‌ی انفجار ماین‌ها و حملات طالبان زخمی شده‌اند. او افزوده است که این گروه غیرنظامیان را برای حملات تهاجمی خود انتخاب می‌کند و به همین دلیل در ماه‌های اخیر تلفات غیرنظامیان افزایش یافته است. سخن‌گوی وزارت داخله هدف قراردادن غیرنظامیان توسط طالبان را «جنایت‌جنگی» توصیف

رییس پالیسی و پلان وزارت شهرسازی و اراضی در شهر کابل ترور شد

آقای فرامرز افروز که تفنگ‌داران ناشناس همچنان یک نفر دیگر را به اسم «عبدالرازق» نیز در این ساحه زخمی کرده‌اند. او جزئیاتی بیشتر در این مورد ارائه نکرد، اما تأکید کرد که این قضیه تحت کار تیم مشترک امنیتی قرار دارد. در همین حال، داوود تنها، مدیر رسانه‌های وزارت شهرسازی و اراضی در صحبت با روزنامه اطلاعات روز ترور رییس پالیسی و پلان این وزارت را تأیید کرد. او جزئیاتی بیشتر ارائه نکرد، اما گفت که پیکر عارف‌الله عارف دیروز در مربوطات ناحیه‌ی پنجم شهر کابل تشییع می‌شود. هنوز شخص و یا گروهی مسئولیت این رویداد را به عهده نگرفته است. این درحالی است که در ماه‌های اخیر ترورهای هدفمند در کشور و به‌ویژه شهر کابل به‌صورت نگران‌کننده افزایش یافته است. مسئولیت بیشتر این ترورها را شخص و یا گروهی به عهده نمی‌گیرد، اما دولت افغانستان همواره گروه طالبان را عامل این حملات می‌داند.

اطلاعات روز: عارف‌الله عارف، رییس پالیسی و پلان وزارت شهرسازی و اراضی کشور توسط تفنگ‌داران ناشناس در شهر کابل ترور شده است. فردوس فرامرز، سخن‌گوی فرماندهی پولیس کابل به روزنامه اطلاعات روز با تأیید این رویداد به روزنامه اطلاعات روز گفت که عارف‌الله عارف حوالی ساعت ۹:۰۰ صبح دیروز (یک‌شنبه، ۹ جوزا) در ساحه‌ی «نیازبیگ»، از مربوطات ناحیه‌ی پنجم شهر کابل ترور شده است.



هفت نفر در پی اصابت مرمی هاوان بر یک مراسم عروسی در کاپیسا کشته شدند

رویداد ابتدایی است و امکان افزایش آن وجود دارد. ذبیح‌الله مجاهد، سخن‌گوی گروه طالبان گفته است که این هاوان از سوی نظامیان دولتی بر مراسم عروسی شلیک شده است که در نتیجه‌ی آن، هفت نفر کشته و سه نفر دیگر زخمی شده‌اند. ولایت کاپیسا در شمال کابل موقعیت دارد. در بخش‌هایی از این ولایت جنگ‌جویان گروه طالبان حضور و فعالیت دارند.



اطلاعات روز: منابع امنیتی در ولایت کاپیسا می‌گویند که در نتیجه‌ی اصابت مرمی هاوان بر یک مراسم عروسی در مربوطات ولسوالی تگاب این ولایت، هفت نفر کشته و چهار نفر دیگر زخمی شده‌اند. عبدالشایق شورش کوهستانی، سخن‌گوی فرماندهی پولیس ولایت کاپیسا به روزنامه اطلاعات روز گفت که حوالی ساعت ۶:۳۰ دقیقه‌ی دو شب پیش (شنبه، ۸ جوزا) بین نیروهای امنیتی و جنگ‌جویان گروه طالبان در روستای «اناجوی» ولسوالی تگاب درگیری صورت گرفته است. آقای کوهستانی همچنین گفت که در جریان این درگیری، یک مرمی هاوان که از سوی جنگ‌جویان گروه طالبان شلیک شده، بر یک خانه‌ی مسکونی که در آن مراسم عروسی نیز در جریان بوده، اصابت کرده است. به‌گفته‌ی کوهستانی، در میان قربانیان این رویداد کودکان نیز شاملند. با این حال، او می‌گوید که آمار تلفات این

تمام امور رهبری روند صلح به عهده‌ی شورای عالی مصالحه‌ی ملی است. توافقنامه‌ی که علاوه بر رییس‌جمهور غنی و عبدالله عبدالله، کسانی مثل حامد کرزی، رسول سیاف، مارشال دوستم و کریم خلیلی نیز به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در آن مشارکت داشتند یا طرف‌های ذینفع این توافقنامه بودند.

واقع این است که ارگ ریاست‌جمهوری کشور، با ایجاد شورای عالی دولت به‌منظور رهبری روند صلح، در پی ایجاد یک نهاد موازی با شورای عالی مصالحه‌ی ملی است. اقدامی که از یکسو به‌منظور تضعیف جبهه‌ی سیاسی عبدالله عبدالله روی دست گرفته شده و از سوی دیگر با جلب توافق و رضایت احتمالی چهره‌های سیاسی عمدتاً مخالف حکومت، در جبهه‌ی مخالفان و اپوزیسیون ارگ ریاست‌جمهوری یک رقابت تنش‌آلود ایجاد خواهد کرد.

رهبری امور کشور و مشخصاً امور جنگ و صلح در این زمانه‌ی حساس با رویکرد ایجاد شکاف میان جناح‌های سیاسی و چشمداشت به اخذ سود سیاسی از در گرفتن این رقابت، یک رویکرد ناکارآمد و برخلاف مصالح ملی است. افغانستان بیش از هر زمانی به شکل‌گیری یک اجماع سیاسی واقعی و پایدار نیاز دارد تا بتواند با مخاطرات دشوار جنگ و صلح زیر فشار نظامی طالبان به خوبی کنار بیاید. علاوه بر ضرورت توجه به شکل‌گیری انسجام سیاسی و امتناع از ایجاد هر نوع شکاف میان جناح‌های سیاسی، تجربه‌ی دو دهه‌ی گذشته ثابت کرده که رویکرد ایجاد نهادهای موازی نه تنها هیچ بهبودی در اوضاع امور مملکت ایجاد نمی‌کند که باعث می‌شود تنش‌های ناشی از ایجاد نهادهای موازی و تداخل وظیفوی میان این نهادها، عرصه‌ی مورد نظر را به هرج‌ومرج بکشاند.

ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان با این رویکرد در خصوص روند صلح، به آشکارا در پی گل‌آلودکردن آب و مکدرکردن فضا و روابط سیاسی میان جناح‌ها و افرادی است که در یک کلیت، مخالفان سیاسی و اپوزیسیون حکومت محسوب می‌شوند. در صورتی که در نهایت شورای عالی دولت با حدود صلاحیت و مأموریت رهبری و زعامت روند صلح کشور به کار آغاز کند، تنش و رقابتی پنهانی میان جبهه‌ی سیاسی عبدالله عبدالله و دیگر جناح‌ها و چهره‌های سیاسی ذینفع در شورای عالی دولت آغاز خواهد شد. آغاز این رقابت و تنش، غایت مورد نظر ارگ ریاست‌جمهوری است. سرانجام، نه عبدالله عبدالله و جناح سیاسی او در شورای عالی مصالحه‌ی ملی و نه دیگر اعضای شورای عالی دولت، موفق نخواهند شد رهبری روند صلح را در اختیار بگیرند زیرا در خلای ناشی از آغاز این رقابت و تنش، ارگ ریاست‌جمهوری موفق خواهد شد نفوذش بر روند صلح را افزایش بدهد.

هر نوع تلاش برای دمیدن بر آتش تنش‌ها و شکاف‌های سیاسی با ایجاد نهادهای موازی، برخلاف منافع ملی کشور در این شرایط حساس و محکوم به ناکامی و شکست است. ارگ ریاست‌جمهوری، شورای عالی مصالحه‌ی ملی و دیگر نخبگان سیاسی نباید خطای تولد شورای عالی دولت به‌عنوان نهادی موازی با شورای عالی مصالحه‌ی ملی و آغازشدن یک رقابت فرسایشی و مضر را مرتکب شوند.

مرگ ۲۵ مریض کووید۱۹ در یک شبانه‌روز؛ ۹۴۹ مریض جدید شناسایی شدند

کووید۱۹ در ولایت‌های کابل، قندهار، بلخ، پکتیا، هلمند، کاپیسا، غزنی و فراه فوت کرده‌اند. شمار مجموعی فوتی‌های کرونایی به دوهزار و ۹۴۴ نفر افزایش یافته است. همچنین در شبانه‌روز گذشته ۱۶۹ مریض کووید۱۹ در ولایت‌های کابل، قندهار، ننگرهار، قندوز، هلمند، میدان‌وردک، دایکندی، غزنی، لغمان، غور، نورستان و جوزجان بهبود یافته‌اند. شمار مجموعی بهبودیافتگان تا کنون به ۵۷ هزار و ۴۵۰ نفر رسیده است.

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه‌ی کشور می‌گوید که در ۲۴ ساعت گذشته ۹۲۹ مورد مثبت ویروس کرونا در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، بلخ، ننگرهار، تخار، قندوز، نیمروز، فاریاب، هلمند، بامیان، میدان‌وردک، بدخشان، غزنی، لغمان، پنجشیر، زابل، غور و فراه شناسایی شده‌اند. با ثبت این تعداد موارد مثبت کرونا، شمار مجموعی مریضان کووید۱۹ در افغانستان به ۷۱ هزار و ۶۹۰ نفر افزایش یافته است. براساس معلومات وزارت صحت عامه، در شبانه‌روز گذشته ۲۵ نفر از اثر مریضی

بی‌بی‌سی - کیت مورگان

مترجم: جلیل پژواک

این وضعیت برای همه‌ی ما آشناست: برای انجام کاری یا برداشتن چیزی به آشپزخانه می‌رویم، سپس مکث می‌کنیم، گیج می‌شویم و بعد متوجه می‌شویم که اصلاً یادمان نیست چرا به آشپزخانه آمده‌ایم.

در سال ۲۰۱۱ محققان «دانشگاه نورث‌دام» در پی درک این مسأله برآمدند. آن‌ها دریافتند که خود عمل وارد شدن از درگاه آشپزخانه است که باعث فراموشی فوری می‌شود. پژوهش آن‌ها نشان داد که مغز برای نگهداری داده‌های زیاد به‌صورت همزمان و یک‌جا طراحی شده است و عمل تغییر مکان، مانند رفتن از اتاق خواب به آشپزخانه، همچون ماشه‌ای عمل می‌کند که در نتیجه‌ی آن مغز برخی از داده‌ها را برای ایجاد فضای بیش‌تر پاک می‌کند.

از آغاز دنیاگیری کووید ۱۹ تاکنون، روزهایی بوده است که طی آن من ده‌ها بار دچار فراموشی فوری و احساس ندانستن دلیل بودنم در آشپزخانه شده‌ام. در واقع، تمرکز روی هر چیزی برای من تقریباً غیرممکن شده است. وقتی می‌خواهم تماس بگیرم متوجه می‌شوم شماره‌ای را که چند ثانیه قبل حفظ کرده بودم، یادمان نیست. نوشتن یک ای‌میل ساده کل روز طول می‌کشد. یک کار را شروع می‌کنم ولی چند دقیقه بعد حواسم پرت می‌شود. دیگر آن آدم پرکار و پربازده سابق نیستیم.

با این حال، من تنها نیستیم. تقریباً با هر شخصی که مشکل تازه‌ی خود را مطرح کرده‌ام، صحبت از مشکلات مشابهی داشته‌اند. یک دوست نویسنده اخیراً گفت: «سرم فوق‌العاده شلوغ است... [اولی] کاری غیر از شستن ظرف و پیاده‌روی انجام نمی‌دهم.»

تمرکز نرم

دلیل این مشکلات اختلال در عملکرد حافظه است. استرس توانایی حافظه برای پردازش اطلاعات ورودی، درآوردن آن به شکل یک تفکر منسجم و حفظ آن تا زمان کاری را که برای انجام آن به این اطلاعات نیاز داریم، مختل می‌کند. «متی لاین»، استاد روان‌شناسی «دانشگاه توکو» در فنلند می‌گوید: «به حافظه به‌عنوان بستری برای عملیات‌های شناختی مغز نگاه کنید. حافظه کاری ارتباط نزدیکی با توجه و تمرکز دارد. شما با حافظه کاری خود روی برخی کارها، برخی اهداف، برخی دستورالعمل‌ها یا

اضطراب چه تأثیری بر تمرکز دارد؟



را می‌توانید تمرین دهید. امروزه بازی‌های مغزی بسیاری وجود دارد اما کارشناسان معتقدند که اکثر این بازی‌ها کاری جز بهتر کردن توانایی شما در انجام بازی، انجام نمی‌دهند. رابینسون می‌گوید: «بازی‌های تمرین شناختی باعث نمی‌شود حافظه‌ی من بهتر شود و لیست خرید خود را بهتر به یاد بیاورم. این بازی‌ها مثل این است که شما برای بازی تنیس، دویدن را تمرین کنید.»

با این حال، در برخی از تحقیقات نتایج یک تمرین مغزی به نام N-back نویدبخش بوده است. نحوه کار بازی N-back اندکی شبیه به بازی کلاسیک Concentration است که در آن بازیکنان باید کارت‌های مشابه را پیدا کنند. اما در بازی N-back به جای کارت مشابه، فقط یک شی وجود دارد که در اطراف صفحه مشبک حرکت می‌کند و بازیکنان باید موقعیت شی را نظر به تعداد چرخش آن که تا n چرخش ادامه پیدا می‌کند، به یاد داشته باشند.

این که بازی کردن این بازی تأثیر واقعی روی حافظه کاری دارد یا خیر، در جامعه عصب‌پژوهان مورد مناقشه است اما چند دور بازی کردن آن ممکن است به شما کمک کند از حالت تنش بیرون شوید، زیرا این اضطراب است که در وهله‌ی اول مشکل ایجاد کرده است و بنابراین تسکین آن می‌تواند به بهبود تمرکز شما کمک کند. رابینسون می‌گوید که برای درمان اضطراب، ما معمولاً «افراد را نشان می‌دهیم که اوضاع آن‌طور که آن‌ها فکر می‌کنند، بد نیست. ما چیزهایی را که باعث می‌شود آدم‌ها این‌طور فکر کنند، محدود می‌کنیم.»

به عبارت دیگر، شما برای بهبود عملکرد حافظه کاری خود باید از اخبار و شبکه‌های اجتماعی — که باعث می‌شود شما به چیزهای نگران‌کننده فکر کنید — فاصله بگیرید. اما مؤثرترین کار شاید این باشد که خودتان را متقاعد کنید که اشکالی ندارد که مشکل دارید.

رابینسون می‌گوید: «پذیرفتن این که اشکالی ندارد که وضعیت اشکال داشته باشد، باعث می‌شود کمتر احساس مشکل کنید. ولی چسبیدن به این که چرا وضعیت «اوکی» نیست، دردی را دوا نمی‌کند. شاید کار شما این‌روزها خیلی پربازده نباشد، اما این که نمی‌توانید با ظرفیت ۱۰۰ درصدی خود کار کنید، مشکلی ندارد؛ ما هنوز درگیر یک همه‌گیری هستیم.»

ما را از بین می‌برد. وقتی اضطراب دارید، کله‌ی شما پر از افکار مرتبط با این اضطراب است و مغز شما به نوعی منحرف می‌شود و به چیزهای منفی توجه بیش‌تری می‌کند.»

«الیور رابینسون» از انستیتوت علوم اعصاب شناختی «کالج دانشگاهی لندن» می‌گوید که اضطراب مداوم می‌تواند باعث بی‌خوابی نیز شود و «بی‌خوابی به نوبه‌ی خود تأثیر منفی قابل‌توجهی بر حافظه کاری دارد.» او همچنین توضیح می‌دهد که حتی فرآیندهای شناختی ساده مانند تهیه لیست خرید، در حال حاضر به نیروی مغزی بیش‌تری نیاز دارد: «در شرایط کنونی شما به جای این که ساده فکر کنید و به خود بگویید «خب می‌روم فروشگاه برمی‌گردم»، به فکر چیزهایی که نیاز دارید می‌افتید، نگرانید که مبادا فروشگاه بسته نباشد یا مبادا بیرون بروید و شما را کرونا بگیرد. این‌گونه است که مغز شما به جای یک کار، چهار کار را همزمان انجام می‌دهد. همین‌طور که به فکر کردن ادامه می‌دهید، ناگهان متوجه می‌شوید که به‌جای یک کار که آن‌هم رفتن به فروشگاه است، دارید درباره‌ی ۱۰ کار دیگر فکر می‌کنید، درحالی که هیچ‌یک از آن‌ها را نمی‌توانید انجام دهید.»

تمرین مغز؟

خبر خوب این است که حافظه کاری خود

دنیاگیری کووید ۱۹ است] اما مربوط به آینده‌ای کاملاً نامعلوم است. ما نمی‌دانیم این وضعیت تا چه زمان ادامه دارد؟ تا تابستان؟ تا خزان؟ تا چه وقت؟ هیچ‌کس نمی‌داند. خود این وضعیت ما را به سمت اضطراب مزمن‌تر سوق می‌دهد.»

لین می‌گوید که او و تیمش از ۲۰۰ نفر در بریتانیا و امریکای شمالی پرسیده‌اند که آیا آن‌ها دچار اضطرابی شده‌اند که مشخصاً به دنیاگیری کووید ۱۹ ربط داشته باشد یا خیر. لین می‌گوید: «ما پرسشی درباره‌ی اضطراب ناشی از دنیاگیری کنونی اضافه کردیم زیرا در آن‌زمان خبر داغ همین مسأله بود. ما از مردم خواستیم که سطح اضطراب خود را در مقیاس صفر تا ۱۰ اندازه‌گیری و گزارش دهند، طوری که ۱۰ بیانگر «نگرانی مداومی باشد که فعالیت‌های روزمره آنان را مختل کرده است.» میانگین پاسخ‌هایی که ما دریافت کردیم حدود ۵٫۶ بود که از نظر من بسیار بالا است.»

علاوه بر این، لین می‌گوید که این ارقام نشان‌دهنده ارتباط مستقیم بین اضطراب ناشی از کرونا و کاهش عملکرد حافظه کاری است، هرچند ممکن است اضطراب، چه مرتبط با کرونا چه غیر از آن، از طریق چندین مکانیسم مختلف دیگر عملکرد شناختی مغز ما را مختل کند. او می‌گوید: «این نظریه وجود دارد که استرس به نوعی ظرفیت مغز و حافظه

رفتارهایی که می‌خواهید انجام دهید، تمرکز می‌کنید.»

به عبارت دیگر، حافظه کاری توانایی استدلال بلافاصله است و بخش بزرگی از آنچه را که باعث می‌شود مغز انسان این‌قدر قدرتمند باشد، تشکیل می‌دهد. با این حال پژوهش‌ها نشان داده است که شرایط دائماً در حال تغییر، نگرانی و اضطراب می‌تواند تأثیر چشم‌گیری بر توانایی تمرکز شما داشته باشد. لین می‌گوید: «مدت‌ها قبل از کرونا، ما پژوهش آنلاینی را با گروه بزرگی از بزرگسالان امریکایی انجام دادیم. آن‌ها به پرسش‌نامه‌های ما که هدف آن ارزیابی شرکت‌کنندگان بود، پاسخ دادند. ما شاهد یک رابطه بین اضطراب و حافظه کاری بودیم. هرچه اضطراب بیش‌تر باشد، عملکرد حافظه کاری بدتر می‌شود.» وقتی شما دچار تجربه اضطراب حاد باشید — مثلاً شخص خطرناکی در تاریکی کوچه از پشت سر شما در حال آمدن باشد — ممکن است بعداً در یادآوری چهره‌ی آن شخص دچار مشکل شوید، چون حافظه‌ی شما در آن‌زمان درست کار نمی‌کرده. بودن در وضعیت استرس‌زا می‌تواند عملکرد حافظه کاری را مختل کند، طوری که انجام ساده‌ترین کارها برای‌تان نسبت به گذشته دشوارتر می‌شود.

لین می‌گوید: «ما داریم از اضطراب و استرسی صحبت می‌کنیم که حاد نیست، [منظورش

آتش جنگ بر خرمن تجارت؛

«سرمایه‌گذاران در حال فرار از افغانستان اند»

لیاقت لایق

آغاز خروج نیروهای خارجی از افغانستان، نبود تصویر روشن از آینده و بی‌نتیجه‌ماندن روند صلح حکومت با طالبان، باعث افزایش فرار سرمایه‌ها از افغانستان شده است. ادامه‌ی جنگ، ناامنی و کشتارهای هدفمند در سال‌های پسین به‌ویژه در ماه‌های اخیر، آسیب‌های بزرگی به بخش تجارت و سرمایه‌گذاری افغانستان وارد کرده است.

مسئولان اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری افغانستان به اطلاعات روز می‌گویند که نبود تصویر روشن از آینده و ادامه‌ی ناامنی‌ها، سرمایه‌گذاران را از سطح خرد تا متوسط و بزرگ را به‌شدت متأثر کرده است. به گفته‌ی این مسئولان جنگ و ناامنی باعث افزایش در رکود سرمایه‌گذاری‌های کوچک و فرار سرمایه‌گذاران بزرگ از کشور شده است. همچنان سرمایه‌گذاری متوسط نیز متأثر شده و آسیب دیده است.

رئیس اجرایی اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری افغانستان می‌گوید که سرمایه‌گذاران در حال فرارند. گرچند او آمار دقیق از فرار سرمایه‌ها و رکود سرمایه‌گذاری‌ها ارائه نمی‌کند اما می‌گوید: «این یک حقیقت تلخ است که وضعیت جنگ و ناامنی فوق‌العاده تأثیر منفی بر محیط سرمایه‌گذاری در افغانستان گذاشته است. سرمایه‌گذارها در حال فرارند. در این هیچ شکی وجود ندارد.»

به گفته‌ی رئیس اجرایی اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری، از این که اقدامات حکومت در تأمین امنیت تاجران و سرمایه‌گذاران بی‌نتیجه است، تاجران مجبورند سالانه بخش عمده و مهم سرمایه‌ی شخصی‌شان را برای امنیت‌شان هزینه کنند.

حمل سلاح برای هر تاجر و سرمایه‌گذار در افغانستان ضروری است. با این حال آقای عطایی، رئیس اجرایی اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری افغانستان می‌گوید گاهی روند اخذ جواز حمل سلاح از وزارت امور داخله برای تاجران نیز زمان‌بر و پرچالش است.

درحالی‌که سخن‌گوی وزارت امور داخله می‌گوید این وزارت همواره با سرمایه‌گذاران و تاجران بخش خصوصی در تماس است و به خواست‌های‌شان رسیدگی می‌کند. آقای آرین می‌گوید که تأمین امنیت تاجران و سرمایه‌گذاران از طریق تصدی محافظت عامه به روش قراردادی انجام می‌شود و جواز حمل سلاح برای هر تاجر و سرمایه‌گذاری که درخواست داده پس از تطبیق کارشویه‌ی آن صادر شده است.

شکایت تاجران از زمان‌بر بودن روند اخذ جواز حمل سلاح در حالی است که وزارت داخله قبلاً اعلام کرده بود که این روند را آسان کرده و رشوه‌ستانی و فساد را نیز در این بخش از بین برده است. وزارت داخله گفته بود که هر شهروند می‌تواند تنها در مدت یک هفته جواز حمل سلاح بگیرند. درحالی‌که پیش از آن

مسئولان اتاق و تجارت و سرمایه‌گذاری پیش از این نیز به بی‌بی‌سی گفته بودند که در جریان سال گذشته‌ی میلادی (۲۰۲۰) حدود یک‌هزار و ۴۰۰ تاجر بر اثر تهدیدهای امنیتی، کشور را ترک کرده و به ترکیه رفته‌اند. سرمایه هرکدام این تاجران ۲۰۰ هزار دالر و در مجموع بیش از یک میلیارد دالر بوده است. فرار سرمایه و مهاجرت سرمایه‌گذاران از داخل به خارج از کشور در حالی است که این کار تأثیر مستقیم بر بازار کار و وضعیت اقتصادی دارد و باعث افزایش فقر و بیکاری در کشور می‌شود.

تاجران می‌گویند که بر اثر تهدیدهای امنیتی در افغانستان، آنان بخش عمده‌ای از سرمایه‌شان را به هدف حفاظت از خود، اعضای فامیل، تأسیسات و دارایی‌شان هزینه می‌کنند اما با وجود آن هم از امنیت‌شان اطمینان ندارند. برخی از تاجران که نمی‌خواهند رسماً مصاحبه کنند، می‌گویند که گرچند تا هنوز کشور را ترک نکرده‌اند اما در نبود امنیت میل به ماندن آنان در کشور از بین رفته است. نمی‌خواهند بیشتر از این جان خود و فامیل‌شان را به خطر اندازند. به‌ویژه زمانی که جنگ در حال افزایش است و سرنوشت صلح با طالبان نیز معلوم نیست که به نتیجه‌ای ملموس خواهد رسید یا نه. از سوی دیگر وعده‌های حکومت برای تأمین امنیت‌شان نیز عملی نشده و کارهای که انجام شده نیز نتیجه‌بخش نیست.

گزارش

روند اخذ جواز حمل سلاح از شش تا هفت ماه زمان می‌برد.

مسئولان اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری می‌گویند افزایش سرمایه‌گذاری در کشور از اهداف مهم بخش خصوصی است اما جنگ نمی‌گذارد که به این اهداف برسند. سرمایه‌گذاران در افغانستان با چالش‌های امنیتی، اختطاف، حمله‌های هدفمند بر خود و اعضای فامیل، تأسیسات و دارایی‌های‌شان روبه‌رویند و اقدامات حکومت برای مهار آن کافی و جوابگو نیست. رئیس اجرایی اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری افغانستان پیشنهاد می‌کند که قطعه ویژه نظامی برای تأمین امنیت تأسیسات سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در نظر گرفته شود، همچنان روند اخذ جواز سلاح دست‌کم برای تاجران و سرمایه‌گذاران آسان شود.

امسال افزایش انتقال سرمایه از کشور به خارج در حالی مطرح است که پارسال شیوع ویروس کرونا رشد اقتصادی را پنج درصد زیر صفر برد و ۸۰ درصد سرمایه‌گذاری کوچک، متوسط و بزرگ را متوقف کرد. امسال کارشناسان اقتصادی پیش‌بینی کرده‌اند که اگر جنگ کاهش یابد اقتصاد افغانستان دوباره تا سه درصد رشد می‌کند. با این حال با وجود افزایش جنگ و کاهش سرمایه‌گذاری‌ها که یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی است، افغانستان همچنان رشد اقتصادی به میزان پیش‌بینی‌شده‌ی آن نخواهد داشت.



آینده‌ی افغانستان پس از خروج نیروهای ناتو و ایالات متحده

قدرت‌ها در منطقه به نوعی متعجب شده‌اند و همه درگیر دو حس متضاد آمیخته از لذت و نگرانی‌اند؛ چون انتظار نداشتند این خروج بسیار ناگهانی اتفاق بیفتد. «به‌عنوان مثال ایران گرچه از اقدام دولت بایدن برای خروج از افغانستان استقبال کرده است، اما نگرانی در مورد تصرف بالقوه طالبان نیز وجود دارد. به همین ترتیب ما اخیراً چین، به‌ویژه پس از حمله هشتم ماه می به مدرسه‌ای در دشت برچی، خواستار خروج مسئولانه از افغانستان شده‌است. بنابراین در حالی که بسیاری از این قدرت‌ها نشان می‌دهند که علاقه مشترکی به خروج ناتو و نیروهای امریکایی از افغانستان داشتند زیرا آن‌ها نگرانی‌هایی راجع به جاه طلبی‌های ژئوپلیتیک گسترده‌تر ایالات متحده با استفاده از افغانستان به عنوان یک سرزمین داشتند، اکنون همه به نوعی غافلگیر شده‌اند. باید بخاطر بسپاریم که همه این کشورها در اتفاقات آینده افغانستان سهم قابل توجهی دارند.»

با باور آقای ابراهیمی جمهوری‌های آسیای میانه بسیار نگرانند که طالبان باعث تشویق مجدد سازماندهی مشابه گروه‌های تروریستی در آسیای میانه نشود. وی افزود که تعداد قابل توجهی از جنگ‌جویان آسیایی، شبه‌نظامیان کوچک اما هنوز قابل توجه چینی اویغور در مناطقی از افغانستان و پاکستان وجود دارد و صادقانه بگویم حتا پاکستان نیز باید نگران اثر بازگشت سرمایه طالبان بر افغانستان باشد. هند یکی از بازیگران اصلی افغانستان بوده و از سال ۲۰۰۱ کمک‌های مالی و انکشافی به دولت افغانستان ارائه کرده است و از زیرساخت‌های عمده‌ای حمایت کرده که ممکن است بر هدف افغانستان برای پاکستان تأثیر بگذارد. حالا سوال این است که آیا سیاست‌های منطقه‌ای به دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد؟ من فکر

کردند. آن‌ها پایگاه‌های لجستیکی و نظامی را فراهم کردند و همچنین باید به یاد داشته باشیم که قربانیان بمب‌گذاری تروریستی ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده، همدلی جهانی را به‌وجود آورد و پاکستان تنها کشوری بود که ناخواسته درگیر همکاری با ایالات متحده شد.»

همان‌طور که این استاد دانشگاه لاتروب می‌گوید پس از مدتی گمانه‌زنی‌ها، حمایت‌های قدرت‌های منطقه از جمله روسیه، هند و چین تعلیق شد. آن‌ها همچنین احساس کردند که ایالات متحده ممکن است فراتر از افغانستان، جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیک دیگری در منطقه داشته باشد. بنابراین در نتیجه ما شاهد تغییر تاکتیک‌ها در آن کشورها نسبت به افغانستان و سیاست و اهداف ایالات متحده بودیم: «بسیاری از بازیگران سعی در ایفای نقش‌های بی‌ثبات‌کننده، تلاش برای به چالش کشیدن و صدمه‌زدن به روند دموکراتیک در افغانستان داشتند، آن‌ها همچنین تشخیص دادند که ایالات متحده در مورد سیاست در افغانستان باید اهداف مختلفی داشته باشد. گمانه‌زنی‌ها و گفت‌وگوهای زیادی در مورد اهداف سیاست پاکستان در افغانستان وجود داشت. شواهد نشان می‌دهد که پاکستان میزبان رهبری طالبان و شوره‌های شان در بسیاری از مناطق این کشور بوده است. ما همچنین دیدیم که کشورهای دیگر مانند ایران و روسیه پشتیبانی‌های تاکتیکی فرعی برای طالبان انجام می‌دهند و این اقدامات بسیار کوتاهی است که قصد داشتند سیگنالی را به آمریکا ارسال کنند.»

آقای ابراهیمی درباره‌ی نگرانی‌های پس از خروج نیروهای خارجی گفت که پس از اعلامیه بایدن در خصوص خروج بی‌قیدوشرط از افغانستان، بسیاری از

نقش قدرت‌های منطقه‌ای و نگرانی‌های کشورهای همسایه

نعمت‌الله ابراهیمی، استاد دانشگاه لاتروب استرالیا که درباره‌ی نقش کشورهای همسایه و قدرت‌های منطقه و نگرانی‌های آنان بابت خروج نیروهای ناتو و ایالات متحده از افغانستان صحبت می‌کرد، گفت افغانستان در یک محیط بسیار دشوار قرار دارد. کشور تکه تکه که محل تلاقی آسیای جنوبی، آسیای میانه، خاورمیانه است و اغلب سیاست این مناطق نیز با پویایی‌های سیاسی و امنیت جهانی در منطقه همپوشانی دارد: «از دهه ۱۹۸۰ افغانستان به یکی از مهم‌ترین مشکلات جنگ سرد تبدیل شد. پس از خروج اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان از ۱۹۸۹، ایالات متحده نیز علاقه‌ی خود را به این کشور از دست داد و سپس افغانستان به بحث‌درگیری نیابتی بین کشورهای منطقه تبدیل شد. اکنون ترس از تأیید این پویایی است که با عزیمت نیروهای ناتو و ایالات متحده از افغانستان، این کشورها فقط سعی می‌کنند که به انواع سیاست‌های مخرب رقابت محور امنیتی به افغانستان برگردند و این یک دستورالعمل برای جنگ داخلی است که در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ در افغانستان دیده شده است. به‌خصوص در زمان طالبان شاهد قساوت‌های کشتار دسته‌جمعی در برخی مناطق افغانستان بودیم.»

به باور آقای ابراهیمی با حمله تروریستی یازده سپتامبر، اوضاع به‌طرز چشمگیری تغییر کرد و واکنش کشورهای منطقه به استقبال از حمله آمریکا به افغانستان حتا در شوراهایی که در رقابت یا ایالات متحده هستند، بسیار گرم بود: «به‌عنوان مثال ایران در افغانستان با آمریکا درگیر تعامل شد. به همین ترتیب، روسیه، هند و تمام جمهوری‌های آسیای میانه از مداخله آمریکا در افغانستان حمایت

است؛ زیرا به این معناست که هر امتیازی احتمالی که در طی روند پیش‌بینی‌شده باشد، مشخص می‌شود. اما امریکایی‌ها موضع خود را قبل از فبروری ۲۰۲۰ با رویکردی کاملاً متفاوت تغییر دادند. آن‌ها پیش‌بینی کردند که ابتدا ایالات متحده با طالبان توافق‌نامه امضا می‌کند و سپس مذاکرات داخل افغانستان برای رسیدگی به مسائل نظم سیاسی داخلی انجام می‌شود. این روش یک رویکرد جدا معیوب بود: «ایالات متحده در توافق‌نامه ۲۹ فبروری به طالبان هر آنچه می‌خواستند، داد. طالبان در عوض از آن زمان به بعد یک استراتژی ریاضی را در پیش گرفتند که به موجب آن گه‌گاه اقدامات خود را برای ادامه روند انجام می‌دهند اما هیچ کاری نمی‌کنند که بتواند به انتظارات مذاکرات جدی و با حسن نیت پاسخ دهند. این منعکس‌کننده‌ی یک رابطه‌ی کاملاً ساده‌لوحانه و بی‌کفایتی ایالات متحده و مذاکره‌کنندگان آن است و عواقب آن در افغانستان کاملاً واضح است. امریکایی‌ها صریحاً به خروج مصون خود از افغانستان تمرکز کردند و تعهد طالبان مبنی بر حمله‌نکردن به نیروهای امریکایی را تضمین کردند، اما در واقع حملات طالبان به اهداف افغانستان را تشدید کردند.»

سومین نقضی که آقای ملی در مورد آن صحبت کرد، مرحله اجرای توافق‌نامه است. به باور وی ایالات متحده بیش از هر چیز دیگری مشتاق خروج بود و با امتیازاتی که به طالبان داد، سیگنال‌هایی که به آنان ارسال شد این بود که ایالات متحده از نظر ارائه بند خاصی از توافق‌نامه ۲۹ فبروری ۲۰۲۰ ناکام است این تقصیر ایالات متحده بود، زیرا طالبان خواستار مطالبات بیشتر نبودند و به هر چیزی که می‌خواستند، تعهد شده بود. عیب بعدی که آقای ملی در مورد بحث می‌کند، عیب روان‌شناختی، بالا کشیدن طالبان و آسیب زدن به جایگاه و شهرت حکومت افغانستان است. او به نقل از توماس هابز گفت شهرت قدرت، به معنای خود قدرت است و آنچه ایالات متحده انجام داده، واقعا برای تضعیف شهرت دولت افغانستان و تقویت شهرت طالبان بوده است. «اگر امریکایی‌ها می‌خواستند افغانستان را ترک کنند، بهتر بود که به راحتی با دولت افغانستان توافق‌نامه‌ای برای ترک امضا و بدون دادن وضعیت بالادست به طالبان خارج شوند.»

نقص نهایی مورد نظر آقای ملی تشخیص سود و زیان است. وی می‌گوید شما می‌توانید شرایطی را مورد مذاکره قرار دهید که اختلاف در مورد آن زیاد گسترده نباشد. «امریکایی‌ها هرازگاهی مجبور می‌شدند خود را متقاعد کنند که جنگ آنان در افغانستان جنگ منافع است و اکنون یک تعارض منافع وجود دارد که تعارض بین ارزش‌ها و رویکردهای کثرت‌گورایانه طرز تفکر توتالیتر است. طالبان در رویکرد خود در اجتماع آشکارا نشان می‌دهند زندگی و پدل زدن بین این چشم‌انداز متفاوت از طریق یک روند دیپلماتیک غیرممکن است. این یکی از دلایلی است که طالبان درگیر تدابیر استراتژیک شده‌اند و فکر می‌کنند که می‌توانند در رأس قرار گیرند و چشم‌انداز افغانستان نتیجه این است.»

فاطمه فرامرز

از آنجا که برآیند گفت‌وگوهای صلح افغانستان هنوز یک پرسش بی‌پاسخ است، تشدید جنگ و آغاز خروج نیروهای ایالات متحده و ناتو نگرانی زیادی را به همراه داشته است. هرچند که تعدادی از کارشناسان باور دارند که خروج نیروهای ایالات متحده و ناتو فرصتی را برای کشورها و قدرت‌های منطقه‌ای مهیا می‌کند تا بیشتر از پیش در قضایای افغانستان دخیل شوند، اما آینده‌ی پس از این خروج چندان روشن نیست. مجمع مطالعات خاورمیانه در دانشگاه دیکین استرالیا میزبان یک نشست مجازی تحت عنوان «خروج امریکا و ناتو از افغانستان؛ پیامدهای آن برای آینده» بود که در آن سناریوهای احتمالی پس از خروج را به بررسی گرفت.

افغانستان؛ تاریخچه‌ای از روندهای ناموفق صلح

آقای ویلیام ملی، استاد دانشگاه ملی استرالیا که در زمینه‌ی گفت‌وگوهای صلح و جنگ جاری افغانستان صحبت می‌کرد و در مورد توافق‌نامه ۲۹ فبروری ۲۰۲۰ ایالات متحده و طالبان دیدگاه انتقادی داشت، گفت مشاهدات تاریخی نشان می‌دهد که تلاش‌های بسیار برای حل مشکلات افغانستان صورت گرفته است اما امیدوارکننده نبوده است.

به گفته‌ی آقای ملی اگر به کنفرانس ژنو در سال ۱۹۸۸ که برای خروج نیروهای شوروی از افغانستان برگزار شد بود، نگاهی بیندازیم، می‌بینیم که این کنفرانس نتوانست به مسائل نظم سیاسی داخلی در افغانستان بپردازد. هرچند که بعد از خروج شوروی، رژیم کمونیستی به ریاست داکتر نجیب‌الله را برای چندین سال با کمک منابع شوروی پایدار بود اما در اواخر سال ۱۹۹۱ این کمک‌ها قطع شد.

«سازمان ملل متحد نیز درگیر این امر شد. در سال ۱۹۹۲ بنیون سیون امیدوار بود که حکومتی کمونیست را با گروهی از تکنوکرات‌های بی‌طرف و حامیان شان جایگزین کند اما سرعت آشفتنی رژیم، تلاش‌های او را به خطر انداخت و به‌جای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت، او در عوض خود را در جایی دید که ملل متحد پناه‌گاه داکتر نجیب‌الله شد.

تاریخچه‌ای روند صلح در افغانستان نشان می‌دهد که اگر کاملاً طرف‌های اصلی از روند مذاکرات کنار گذاشته شوند - این دقیقاً همان چیزی بود که امریکایی‌ها در فبروری سال گذشته با طالبان به توافق رسیدند - زمینه‌ی رسیدن به صلح را مشکل‌سازتر خواهد کرد. در غیاب دولت افغانستان که طرف مذاکره نبود، امریکایی‌ها به طالبان متعهد شدند که ۵۰۰۰ زندانی سیاسی آنان را آزاد می‌کنند: «نیازی به گفتن نیست، از آنجا که این زندانیان به میدان جنگ برگشته و به مردم افغانستان حمله می‌کنند، دولت افغانستان به‌شدت تحت فشار قرار گرفته است.»

معایب توافق‌نامه ۲۹ فبروری دوحه

به باور این استاد دانشگاه ملی استرالیا توافق‌نامه ۲۹ فبروری دوحه کم از کم پنج عیب برجسته دارد که موفقیت روند صلح افغانستان را با چالش مواجه کرده است. اولین عیبی که آقای ملی به آن اشاره می‌کند، زبان متفاوت درباره‌ی تعهد ایالات متحده برای آزادی زندانیان طالبان است: «در همان روزی که ایالات متحده توافق‌نامه را با طالبان امضا کرد، یک بیانیه مشترک با دولت افغانستان نیز امضا کردند. اما متن مربوط به آزادی زندانیان بین این دو سند متفاوت است و داشتن یک متن شناور با کلمات مختلف که در مورد یک موضوع باشد، همیشه فکر بدی است زیرا همیشه بلافاصله ابهاماتی ایجاد می‌کند که می‌توان از آن ابهامات برای به خطر انداختن روند استفاده کرد.»

عیب دوم از دید آقای ملی مربوط به امضای توافق‌نامه است. وی می‌گوید در ابتدا هنگامی که امریکایی‌ها شروع به بررسی بحث با طالبان کردند، گفتند تا زمانی که درباره‌ی همه‌چیز توافق نشود، هیچ توافقی صورت نگرفته است و اکنون، این سخن یک فرمول معتبر برای استفاده در مذاکرات پیچیده

آقای ابراهیمی درباره‌ی نگرانی‌های پس از خروج نیروهای خارجی گفت که پس از اعلامیه بایدن در خصوص خروج بی‌قیدوشرط از افغانستان، بسیاری از قدرت‌ها در منطقه به نوعی متعجب شده‌اند و همه درگیر دو حس متضاد آمیخته از لذت و نگرانی‌اند؛ چون انتظار نداشتند این خروج بسیار ناگهانی اتفاق بیفتد.



ترجمه



«برای چین هیچ چیز مهم تر از ثبات نیست»

اکنونیست

مترجم: جلیل پژواک

در نهم ماه می از وزارت امور خارجه چین خواسته شد تا درباره حملات وحشیانه در کابل اظهار نظر کند. یک روز قبل تروریست‌ها نخست مورتیمی را در نزدیکی یک مکتب دخترانه منفجر کرده بودند و پس از آن که شاگردان سراسیمه از مکتب خارج شده بودند، دو بمب دیگر را نیز برای کشتن افراد بیشتر منفجر کرده بودند. دست کم ۸۶ نفر کشته شدند، بیشتر قربانیان کودک بودند. این حمله دختران هزاره شیعه بود. هزاره‌های شیعه اغلب توسط گروه‌های اسلام‌گرای سنی که عامل بیشتر بدبختی‌ها مصیبت افغانستان هستند، هدف قرار می‌گیرند. گروه‌های اسلام‌گرای تندرو با شتاب گرفتن روند خروج نیروهای امریکایی از افغانستان به دنبال بردن سهمی از قدرت آغشته به خون در افغانستان هستند. دیپلمات‌های چین می‌توانستند به یکی از چند شیوه قابل قبول، به این حمله واکنش نشان دهند.

اول، منطقی می‌بود که وزارت امور خارجه چین از بزرگ‌ترین گروه سبزه‌جوی فعال در افغانستان یعنی طالبان بخواهد که این هرج‌ومرج را مهار کنند، زیرا چین از نفوذ روزافزون بر رهبران طالبان برخوردار است. این درخواست البته می‌توانست برخلاف انتظار به نظر برسد. «وانگ یی»، وزیر امور خارجه چین ابراز امیدواری کرده است که حکومت‌های آینده افغانستان اسلام معتدل را پیشه کنند. این موضع‌گیری، عدم تأیید آشکار اسلام افراطی سبک طالبان است. در آن سوی مرز در منطقه سین‌کیانگ چین مقامات مساجد را تخریب کرده و جوانان را از نماز جماعت منع کرده‌اند. حدود یک میلیون مسلمان که اکثرشان از اقلیت اویغورند از اردوگاه‌های بازآموزی حزب کمونیست در سین‌کیانگ فارغ شده‌اند. این اردوگاه‌ها برای «درمان» تفکر بیش از حد مذهبی یا «عقب افتاده» مسلمانان و تبدیل کردن آن‌ها به کارگران فرمان‌بردار و وفادار به سرزمین مادری چین ایجاد شده است.

اما ظاهراً طالبان هم می‌توانند متعصب و تندرو و هم می‌توانند واقع‌بین و عمل‌گرا باشند. رهبران این گروه امیدوارند که به زودی و یک ربع قرن پس از آن که این کشور اولین بار تحت سلطه‌ی حکومت وحشت دینی این گروه قرار گرفت، بار دیگر بر افغانستان حکم برانند. پژوهش‌گران و دیپلمات‌ها در بیجینگ و سایر پایتخت‌های کشورهای دخیل می‌گویند که طی سه سال گذشته به‌خصوص، ارتباطات بین طالبان افغانستان و چین به طرز چشم‌گیری رشد کرده است. نمایندگان طالبان که به شدت می‌خواهند از نظر سیاسی و اقتصادی از جانب غول اقتصادی آسیا به رسمیت شناخته شوند، گفته‌اند که از طرح‌های چین برای ساخت شاهراه‌ها بین شهرهای افغانستان حمایت می‌کنند. رهبران طالبان ادعا می‌کنند که از یک پروژه مورد حمایت چین در نزدیکی ولایت کابل برای ایجاد بزرگ‌ترین معدن مس جهان که سال‌ها به دلیل نگرانی درباره بقایای دوره بودایی در این سایت و ترس از حملات شبه‌نظامیان متوقف شده بود، حمایت می‌کنند.

گفته می‌شود که طالبان به‌طور مخفی به بیجینگ این پیام را رسانده‌اند که به وضعیت مسلمانان در سین‌کیانگ اهمیت نمی‌دهند. این موضع با هدف امنیتی اصلی چین در افغانستان هم‌سو است. هدف اصلی چین جلوگیری از فرو رفتن افغانستان ناشد به کام هرج‌ومرج و تبدیل شدن به پناه‌گاه یا دالان عبور و مرور شبه‌نظامیان اویغور است که به باور چین در منطقه منتظر فرصت‌اند. چین معتقد است که این جنگ‌جویان برخی از افراد دارای تجربه جنگ در سوریه، برخی افراد آموزش‌دیده توسط ایران و برخی افراد دیگر را شامل می‌شود که امیدوارند از طریق مناطق قبایله‌نشین بی‌قانون پاکستان وارد سین‌کیانگ شوند.

دوم، منطقی می‌بود که چین از پاکستان بخواهد که برای مهار خون‌ریزی در افغانستان کمک کند. پاکستان حامی طالبان است و جنگ‌جویان افغان را به برقراری ارتباط با چین ترغیب کرده است. پاکستان دوست دارد برای چین، که مهم‌ترین حامی مالی اسلام‌آباد است، مفید باشد.

با این حال وزارت امور خارجه چین در واکنش به بمب‌گذاری مکتب در کابل، نه از طالبان درخواست کرد هرج‌ومرج را در افغانستان

فناوری ارتباطات برای گسترش تبلیغات استفاده بسیار موثری می‌کنند در حالی که هیچ موضوعی معنادار در مورد موضع خود درباره موضوعاتی از قبیل حقوق ارائه نداده‌اند. اما اینکه طالبان در کدام موارد تکامل نیافته و تغییر نکرده‌اند، گزارش‌ها حاکی از آن است که آن‌ها همچنان با سازمان‌های تروریستی منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباط بسیار عمیق و روابط بسیار نزدیک با القاعده دارند و همچنان دیدگاه‌شان درباره‌ی زنان تغییر چندانی نکرده است: «اگرچه در بیانیه‌های رسمی، طالبان می‌گویند که آن‌ها دیگر مخالف تحصیل دختران نیستند، اما تعداد کمی از مقامات طالبان به دختران اجازه می‌دهند که فراتر از دوره ابتدایی به مکتب بروند و بسیاری دیگر به هیچ وجه اجازه باز کردن مکاتب دخترانه را نمی‌دهند. این محدودیت‌ها نظر به روستاها متفاوت است اما نتیجه نهایی این است که از نظر طالبان آموزش دختران بعد از رسیدن به یک سن مشخص، قابل قبول نیست.»

طوری که خانم اکبر می‌گفت، دو سال تعامل دیپلماتیک منظم با طالبان نشان داده است که خواسته طالبان در مورد آینده افغانستان و تعریف آنان از صلح در افغانستان صریح نیست و فقدان این جزئیات تا آن‌جا که نمی‌توان به آن اعتماد کرد، عامل نگرانی مردم است. «اکنون نیروهای بین‌المللی در حال خروج هستند، جهاد طالبان غیرقانونی خوانده می‌شود اما آن‌ها تأکید دارند که باید یک سیستم اسلامی به‌وجود بیاید که بر همه جناح‌هایی که در ۲ سال گذشته ساخته شده‌اند حاکم باشد. این بدان معناست که آن‌ها باید علیه مردم افغانستان مبارزه کنند. «خبراً بیانیه طالبان منتشر شد مبنی بر اینکه هر کسی که برای دولت کار کرده یا در ساختار پس از ۲۰۰۱ کمک کرده باشد، هدف قانونی برای کشته شدن است. این بیانیه در حالی منتشر شد که آمریکا قبلاً توافق‌نامه‌ای را با آن‌ها امضا کرده بود و مذاکرات به اصطلاح بین‌الافغانی ادامه داشت.»

خانم اکبر همچنان اذعان کرد که در محافل غربی و ملی بحث‌های زیادی وجود داشته است که طالبان تغییر کرده است. اما شواهد نشان می‌دهد که خروج بدون قید و شرط، زنان افغان را در موقعیتی محروم قرار می‌دهد زیرا آینده زنان افغانستان کاملاً مطابق با نتایج گفت‌وگوهای بین‌الافغانی و تحولات میدان جنگ بستگی دارد و مهم‌ترین دستاوردی که مردم افغانستان می‌خواهند از آن محافظت کنند، دستاوردهایی است که طی ۲۰ سال گذشته به دست آورده‌اند: تحصیلات دختران، محافظت از برابری جنسیتی شناخته شده در قانون اساسی و نهادینه شدن نمایندگی زنان در زندگی سیاسی و عمومی. اما این دستاوردهای محدود به احتمالات است و اکنون حدود سه میلیون دختر شامل مکتب هستند که سرنوشت آن‌ها نامشخص است.

وی افزود: «در هر یک از سناریوهایی که بعید به نظر می‌رسد جنگ یا تسلط طالبان و با یک توافق حل و فصل تقسیم قدرت بین ذینفعان مختلف از جمله دولت باشد، حقوق زنان عمیقاً تحت تأثیر قرار خواهد گرفت زیرا طالبان دیدگاه شدیداً محدود کننده نسبت به زنان دارند و آنان حقوق زنان را با تفسیر شان از ارزش‌های اسلامی فیلتر می‌کنند. از سوی دیگر، در مورد چگونگی دفاع از حقوق زنان توسط جبهه جمهوری وقتی که فشارهایی وجود دارد که معامله با طالبان در جریان و میدان جنگ داغ است، تردیدهایی وجود دارد. در مواردی که می‌بینیم اجماع سیاسی در کابل ادامه دارد، هیچ زنی را در داخل اتاق‌های رای‌زنی نمی‌بینیم.»

خانم اکبر که در ادامه‌ی سخنانش درباره‌ی آسیب‌پذیری هزاره‌های افغانستان سخن می‌گفت، یادآور شد که هزاره‌ها به‌لحاظ تاریخی هدف کشتار طالبان بوده است و به‌دلیل نژاد و وابستگی مذهبی، با قتل عام و آزار و اذیت مواجه شده است. به باور خانم اکبر نگرش طالبان نسبت به هزاره‌ها هم عوض نشده است و از آنجا که موضع طالبان در بسیاری از موارد گنگ است، این امر باعث ترس و نگرانی هزاره‌ها در خصوص امنیت و حقوق اساسی‌شان می‌شود: «هزاره‌ها تنها گروه قومی آسیب‌پذیر نیستند، گروه قومی سیک-هندو نیز در سال‌های گذشته مورد کشتارهای هدفمند قرار گرفته‌اند.»

فرخنده اکبر، دانشجوی مقطع دکترا در دانشگاه ملی استرالیا که در مورد تأثیرات خروج نیروهای خارجی بر حقوق بشر و گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان و اقلیت‌ها سخن می‌گفت، یادآور شد که تأمل بیشتر در مورد پیامد خروج ایالات متحده و ناتو به‌طور کلی و تأثیر آن بر زنان و اقلیت‌ها در حال حاضر نشان می‌دهد که پیامد وخیم دارد و می‌تواند به معنای بازگشت طالبان به قدرت از راه تسخیر نظامی یا توافق سیاسی مذاکره شده باشد.

می‌کنم این ترس مردم است که اتفاق اپریل ۱۹۹۲، وقتی رییس‌جمهور نجیب‌الله مجبور به کناره‌گیری شد و افغانستان تازه از هم پاشید، دوباره تکرار نشود. آن تجزیه تا حدی توسط کشورهای منطقه‌ای که نیروهای‌شان را به سمت افغانستان سوق داده بودند، تشدید شد. در آن زمان پاکستان این فرصت را می‌دید تا افغانستان را به‌لحاظ سیاسی تغییر شکل بدهد و همه کشورهای منطقه یک نوع تسلط بر گروه‌های افغان داشتند و در نتیجه، ما یک جنگ داخلی داشتیم که از کابل آغاز شد و به سرعت به سایر نقاط افغانستان رسید.

آقای ابراهیمی علاوه کرد که همه‌ی این کشورها در تلاش برای جلوگیری از تحقق این نوع سناریو که برای پاکستان نتیجه‌ی مثبتی نخواهد داشت، دارای مسائل مهمی در زمینه تثبیت افغانستان از طریق یک دولت فراگیر صلح‌آمیز است، مشارکت مشترک دارند: «در عین حال موارد زیادی وجود دارد که ما هنوز نمی‌دانیم. این احتمال وجود دارد که برخی افراد ممکن است سعی کنند تاریخچه اپریل ۱۹۹۲ را تکرار کنند.»

به گفته‌ی آقای ابراهیمی اکنون زمان آن رسیده است که ما نظامی را تحویل بگیریم و یک عامل را به خاطر بسپاریم که افغان‌ها در طول ۲۰ سال گذشته تغییر کرده‌اند و دیگر این که دولت افغانستان کاملاً متفاوت از دولت نجیب‌الله در سال ۱۹۹۲ است، اگرچه بسیاری از شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی افغانستان اشرف غنی و دولت او را دوست ندارند، اما آن‌ها همچنین دارای منافع مشترک قابل توجهی در حمایت از یک دولت دموکراتیک کثرت‌گرا هستند که از تسخیر کشور توسط طالبان جلوگیری می‌کند.

زنان و گروه‌های اقلیت آسیب‌پذیر ترند
در همین حال فرخنده اکبر، دانشجوی مقطع دکترا در دانشگاه ملی استرالیا که در مورد تأثیرات خروج نیروهای خارجی بر حقوق بشر و گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان و اقلیت‌ها سخن می‌گفت، یادآور شد که تأمل بیشتر در مورد پیامد خروج ایالات متحده و ناتو به‌طور کلی و تأثیر آن بر زنان و اقلیت‌ها در حال حاضر نشان می‌دهد که پیامد وخیم دارد و می‌تواند به معنای بازگشت طالبان به قدرت از راه تسخیر نظامی یا توافق سیاسی مذاکره شده باشد.

به باور خانم اکبر برای تأمل در مورد عواقب بازگشت طالبان برای حقوق شهروندی، زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر، مفید خواهد بود اگر ابتدا بدانیم طالبان در ۲۰ سال گذشته، از زمان حاکمیت شان که سابقه‌ی شان در خصوص حقوق اساسی با تبعیض سیستماتیک علیه زنان و دختران و تبعیض سیستماتیک و حتی پیگرد قانونی علیه گروه قومی هزاره مشخص می‌شود، تغییر کرده‌اند یا نه. «آن‌ها خواستار مجازات‌های ظالمانه در برابر ارزش‌های لیبرال و اعمال محدودیت بر آزادی بیان و تحصیلات بودند.»

خانم اکبر یادآور شد طالبان به‌عنوان یک سازمان مسلمان در ۲۰ سال گذشته از نظر نظامی تغییر کرده یا تکامل یافته‌اند. همچنان در روابط عمومی و تعامل با رسانه‌ها تغییر کرده‌اند، در تلویزیون ظاهر می‌شوند، از

مهار کنند و نه از چین خواست که برای متوقف کردن خون‌ریزی در افغانستان کمک کند. خانم «هوا چونینگ»، سخن‌گوی وزارت امور خارجه چین پس از اظهار تأسف از کشته‌شدن دانش‌آموزان دختر در کابل، ایالات متحده را مقصر خواند.

او راه سوم را انتخاب کرده بود و گفت که تصمیم «ناگهانی» خروج امریکا از افغانستان «منجر به یک سری حملات انفجاری در سراسر کشور شده است.» او از نیروهای خارجی خواست تا «با خروج مسئولانه از تحمیل رنج و درد بیشتر بر مردم افغانستان خودداری کنند.» این موضع‌گیری انتقادی از جانب چین جدید است.

سخن‌گویان چینی و رسانه‌های دولتی چین سال‌ها نیروهای امریکایی را متهم کردند که از مأموریت اصلی خود که ریشه‌کن کردن القاعده بود منحرف شده‌اند و با رویاهای ساده‌لوحانه خود مبنی بر ملت‌سازی به سبک غربی در افغانستان آشوب را گسترش بخشیده‌اند. اخیراً چینی‌ها ادعا کرده بودند که امریکا مطمئناً پس از خروج نیروهایش از افغانستان، عوامل مخفی خود را در این کشور نگه خواهد داشت و بخشی از دلیل آن ایجاد دردرس برای چین خواهد بود. به طور خلاصه، چین معتقد است که امریکا برای مدت بیش از حد طولانی در افغانستان حضور داشته، اکنون بسیار عجولانه در حال خروج است و در واقع به هیچ‌وجه افغانستان را ترک نمی‌کند. این موضع‌گیری به اندازه کافی پیچیده بود.

اکنون مقامات چینی با بیان این که افغانستان می‌تواند زمینه همکاری احتمالی با ایالات متحده باشد، این موضع را پیچیده‌تر می‌کنند. هنگامی که از مقامات چینی از جمله در یک نشست اخیر با هم‌تایان امریکایی‌شان در آلاسکا، خواسته شد که در مورد این موضع‌گیری چین در خصوص همکاری با ایالات متحده جزئیات بیشتر ارائه کنند، اظهارات مبهم داشتند. البته چند سال پیش چین و امریکا به طور مشترک دیپلمات‌ها و پولیس افغانستان را آموزش می‌دادند. این روزها چین بر اهمیت ابتکار کمربند و راه خود تأکید می‌کند: این که چگونه این طرح زیربناسازی می‌تواند توسعه افغانستان و در نتیجه ثبات این کشور را تقویت کند، از جمله با وصل کردن این کشور به دریا از طریق پاکستان.

افغانستان زمانی شاهد همکاری قابل‌ملاحظه بیجینگ و واشنگتن بود. اوایل جنگ علیه تروریسم، اداره رییس‌جمهور جورج دبلیو بوش «جنبش استقلال ترکستان شرقی» را که یک گروه اویغور است به‌عنوان گروه تروریستی معرفی کرد. ایالات متحده به مأموران چینی اجازه داد از اویغورهای زندانی در گوانتانامو بازجویی کنند. وکیل مدافع یکی از این زندانی‌ها به کنگره گفت که مأموران چینی به زندانی اویغور گفته بودند که او خوشبخت است که به چنگ امریکایی‌ها افتاده، زیرا «به محض اینکه او را به چین برگردانند، زنده نبود.» فعلاً چنین اقدامات مشترکی بین ایالات متحده و چین غیرقابل تصور است. دو طرف در خصوص سین‌کیانگ موضع مشترک ندارند. در سال ۲۰۲۰ حکومت ترمپ جنبش استقلال ترکستان شرقی را از لیست گروه‌های تروریستی حذف کرد و گفت که شک دارد این جنبش هنوز وجود داشته باشد. چین می‌گوید که این جنبش یک تهدید بزرگ است.

برای چین، هیچ چیز مهم تر از ثبات نیست

چین مواضع خود را منسجم می‌داند. در دسرساز قلمداد کردن امریکا برایش منطقی است. بیجینگ همچنین به طالبان، پاکستان و ایران اعتماد ندارد، اما این بازیگران دلایلی دارند که در برابر اراده چین تعظیم کنند. در مقابل، امریکا یک رقیب خطرناک است که اشتباهات بدی را مرتکب شده است و بنابراین سوژه ایده‌آل برای سرزنش و انتقاد است. چین اگر ببیند که همسایه‌اش در آستانه جنگ داخلی قرار دارد، ممکن است از مأموریت‌های صلح‌بانی منطقه‌ای یا سازمان ملل متحد در افغانستان حمایت کند. اما بیجینگ نیروهای خود را، دست‌کم زیر لوای چین، برای برقراری نظم به افغانستان نخواهد فرستاد، زیرا همسایه‌اش «گورستان امپراتوری‌ها» است. استراتژی چین برای افغانستان واضح است. چین در حال ظهور به‌عنوان یک قدرت بزرگ است که — در حد استثنایی — فقط به منافع سرد و سخت اقتصادی و امنیتی اعتماد دارد. از نظر چین، دنبال کردن منافع شخصی خرد است.

بوريس جانسون و كرى سيموندز در مراسمی مخفيانه و خصوصي ازدواج كردند

ازدواج نخست‌وزیر با ارسال پیام هایی در توییتر به او تبریک گفتند.
هر چند که آقای جانسون پیشتر دو بار ازدواج کرده بود، اما اگر ازدواج های قبلی خارج از کلیسای کاتولیک رم صورت گرفته باشد، این کلیسا اجازه ازدواج مجدد را به افراد مطلقه می‌دهد. این زوج یک پسر دارند که آوریل سال گذشته متولد شد.

فامیل و دوستان بار دیگر ازدواج شان را جشن می‌گیرند. آقای جانسون در نزدیک به ۲۰۰ سال گذشته اولین نخست‌وزیر بریتانیا است که در دوران زمامداری‌اش ازدواج می‌کند.
آخرین نخست‌وزیری که در دوران صدارتش ازدواج کرد، رابرت بنکس جنکینسون در سال ۱۸۲۲ بود. شماری از مقامات و وزرای کابینه پس از شنیدن خبر

جانسون دعوت شده بودند. براساس محدودیت های موجود برای مقابله با کرونا در انگلیس، حداکثر ۳۰ نفر می‌توانند در مراسم ازدواج حضور داشته باشند.
روزنامه بریتانیایی سان گفته که حتی دستیاران نخست‌وزیر در جریان این مراسم نبودند.
به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، سخن‌گوی نخست‌وزیر همچنین گفته که این زوج تابستان آینده در جمع

اطلاعات روز: بوريس جانسون، نخست‌وزیر ۵۶ ساله بریتانیا با نامزدش کری سیموندز ۳۳ ساله در مراسمی خصوصی و مخفیانه در کلیسای وست مینستر ازدواج کردند.
به گفته سخن‌گوی نخست‌وزیر، عروسی بعدازظهر شنبه در مراسمی کوچک برگزار شد.
گزارش شده که تنها ۳۰ نفر به مراسم ازدواج آقای

معترضان در سراسر دنیا خواستار آزادی مخالف سرشناس دولت بلاروس شدند

بلاروس کمک کنید.
الکساندر لوکاشنکو، رییس‌جمهور بلاروس، برای بیست و هفتمین سال است که ریاست جمهوری را حفظ کرده است و «آخرین دیکتاتور اروپا» لقب گرفته است.
بسیاری از چهره‌های مخالف در این کشور در دوره طولانی حکومت او دستگیر شده یا به تبعید گریخته‌اند.
سوتلانا تیخونوفسایا، یکی از رهبران مخالف دولت بلاروس، در راهپیمایی که در ویلنیوس پایتخت لیتوانی برگزار شد، خطاب به جمعیت معترض در این راهپیمایی گفت: «من معتقدم که تغییرات به زودی رخ خواهد داد، انتخابات جدیدی رخ خواهد داد، زیرا راهی دیگر وجود ندارد و بلاروس تسلیم نخواهد شد.»
تظاهرات مشابه علیه آدم ربایی و بازداشت روزنامه‌نگار منتقد بلاروسی در برلین، اوکراین، ایرلند و هلند نیز برگزار شد.

رومان پروتاسویچ، ۲۶ ساله و سوفیا ساپگا، ۲۳ ساله، روز یکشنبه در حال پرواز از یونان به لیتوانی بودند که یک هواپیمای جنگنده از بلاروس هواپیمای حامل آنها را مجبور به فرود در مینسک پایتخت بلاروس کرد و زوج منتقد پس از آن بازداشت و به زندان منتقل شدند.
مادر پروتاسویچ، در یک راهپیمایی در ورشو، پایتخت لهستان، گفت: «من از همه کشورهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده می‌خواهم که به ما کمک کنند تا رومان و سوفیا و همچنین همه زندانیان سیاسی را آزاد کنیم.»
پدر این روزنامه‌نگار منتقد نیز در همین راهپیمایی گفت: «ما می‌خواهیم در یک کشور آزاد زندگی کنیم، در کشوری که هر کس حق داشته باشد عقاید خود را ابراز کند.»
جمعیت حاضر در راهپیمایی ورشو پرچم قرمز و سفید مخالفان بلاروس را به اهتزاز درآوردند و تابلوهایی را در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود به آزادی



اطلاعات روز: صدها نفر در لهستان، لیتوانی، آلمان، اوکراین، ایرلند و هلند روز شنبه علیه دولت لوکاشنکو به دلیل آدم ربایی و بازداشت یکی از رهبران مخالف این کشور دست به اعتراض زدند.
به نقل از ایران اینترنشنال، معترضان از دولت بلاروس خواستند رومان پروتاسویچ، مخالف سرشناس دولت لوکاشنکو و دوست‌دختر او را که در جریان فرود اجباری هواپیمای رایان‌ایر در مینسک دستگیر شدند، آزاد کند.
بازداشت این روزنامه‌نگار و دوست دخترش، اتحادیه اروپا را واداشت تا از شرکت‌های هواپیمایی بخواهد از ورود و گذر از حریم هوایی بلاروس پرهیز کنند.
این در حالی است که همزمان با واکنش دولت‌ها، اعتراضات زیادی نیز در برخی از کشورهای اروپایی و همچنین ایالات متحده و استرالیا در اعتراض به این آدم ربایی برگزار شده است.

امریکا دو ناو ایرانی اعزام‌شده به مقصد احتمالی ونزوئلا را رصد می‌کند

با این حال معلوم نیست مادورو تا چه اندازه به این هشدارها ترتیب اثر داده است چرا که به گفته یک منبع آگاه به نقل از مقام‌های ارتش امریکا، کشتی‌ها یکبار دور زند و تغییر جهت دادند اما روز جمعه، بار دیگر به مسیر قبلی بازگشتند.
مقام‌های ایران می‌گویند که ناو مکران که طول آن به بیش از ۲۳۶ متر می‌رسد، ظرفیت حمل شش تا هفت هلیکوپتر و پهپاد را دارد و می‌تواند به‌عنوان سکویی برای جنگ‌افزارهای الکترونیکی نیز مورد استفاده قرار گیرد.
این در حالی است که وزارت خارجه ایران و ونزوئلا و همچنین سخن‌گوی کاخ سفید و پنتاگون تاکنون واکنشی به این گزارش نشان نداده‌اند.



اطلاعات روز: نشریه پولیتیکو به‌نقل از سه منبع آگاه که نخواستند نامشان فاش شود، گزارش داد که نیروی امنیت ملی ایالات متحده، دو ناو ایرانی را که مقصد نهایی‌شان ممکن است ونزوئلا باشد، رصد می‌کند.
به گزارش ایران اینترنشنال، پولیتیکو اعزام این دو ناو به مقصد احتمالی ونزوئلا را اقدامی «تحریک‌آمیز» در بزنگاه توافق احتمالی میان تهران و واشنگتن خوانده است.
بر اساس این گزارش، حرکت دو کشتی ایرانی شامل یک ناو و مکران، نفت‌کش سابق، به سمت نیم‌کره غربی به معنایی تبدیل شده است.
مقام‌های امریکا از مقصد قطعی این دو کشتی ایرانی خبر ندارند اما گمان می‌کنند که آن‌ها به مقصد ونزوئلا در حرکت باشند.
رابطه ایران و ونزوئلا، که هر دو با تحریم‌های سنگین امریکا روبرو هستند، طی سال‌های اخیر نزدیک‌تر شده است و از همکاری در ارسال بنزین تا پروژه‌های مونتاز خودرو کارخانه‌های سیمان را شامل می‌شود. یک منبع آگاه به پولیتیکو گفته است که مقام‌های ارشد دولت نیکلاس مادورو، رییس‌جمهور ونزوئلا، به او هشدار داده‌اند که استقبال از ناوهای جنگی ایران «اشتباه» است.

تلاش‌های سیاسی در اسرائیل برای پایان دادن به ۱۲ سال نخست‌وزیری نتانیاهاو

تشکیل دولت شد اما نتوانست در مهلت ۲۸ روزه برای ائتلاف با بقیه احزاب به توافق برسد.
بعد از آن یائیر لپید، رهبر مخالفان در کنست مسئول تشکیل دولت کرد. مهلت چهار هفته‌ای آقای لپید روز چهارشنبه به پایان می‌رسد و او باید تا آن روز توافق لازم با احزاب دیگر برای کسب ۶۱ کرسی از ۱۲۰ کرسی کنست را کسب کند.
برای تحقق این هدف او باید رضایت نفتالی بنت، وزیر دفاع سابق و سیاستمدار راست‌گرای افراطی را برای مشارکت در دولت «تغییر» با حضور احزابی از طیف سیاسی راست، میانه و چپ جلب کند.
آقای نتانیاهاو، نخست‌وزیر و رهبر حزب راست‌گرای لیکود، درباره ائتلاف با احزاب چپ هشدار داده و به آقای بنت و همین‌طور گیدئون سعار، سیاستمدار راست‌گرای دیگر و رهبر حزب تازه تاسیس «امید نو» پیشنهاد نخست‌وزیری چرخشی را ارائه کرده است.
اما آقای سعار که قبلاً هم‌حزبی آقای نتانیاهاو بود این پیشنهاد را رد کرده است.
به این ترتیب آخرین تلاش‌های آقای نتانیاهاو برای ماندن در قدرت بی‌نتیجه مانده و در سوی دیگر مذاکرات برای تشکیل دولت وحدت بدون حضور حزب لیکود شدت گرفته است.

اطلاعات روز: تلاش رهبران احزاب سیاسی اسرائیل برای تشکیل دولتی جدید بدون حضور بنیامین نتانیاهاو، نخست‌وزیر اسرائیل، به اوج خود رسیده است.
به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، یائیر لپید، رهبر حزب یش عتید، حزب اصلی مخالف دولت، در حال مذاکره با نفتالی بنت، رهبر حزب راست‌گرای افراطی میمنا است و رسانه‌های اسرائیلی از احتمال توافق میان آنها خبر می‌دهند.
آقای لپید که از سوی روون ریولین، رییس‌جمهور اسرائیل مامور تشکیل دولت شده تا روز چهارشنبه دوم چون فرصت دارد تا دولتی ائتلافی تشکیل دهد.
در صورتی که تلاش‌ها و مذاکرات سیاسی برای تشکیل دولت جدید به نتیجه برسد، بنیامین نتانیاهاو بعد از ۱۲ سال از قدرت کنار خواهد رفت و سیطره کامل او بر فضای سیاسی اسرائیل به پایان خواهد رسید.
در دو سال اخیر چهار انتخابات در اسرائیل برگزار شده و ناکامی رهبران احزاب برای تشکیل ائتلافی پایدار، به بن‌بست سیاسی در اسرائیل منجر شده است.
بعد از انتخابات ماه مارچ، آقای نتانیاهاو مسئول

فرانسوی زندانی در مشهد به اتهام «جاسوسی» و «تبلیغ علیه نظام» محاکمه می‌شود

فرانسه خواست تا برای آزادی برادرش به ایران فشار بیاورد. حدود دو ماه پیش، سخن‌گوی وزارت خارجه فرانسه گفته بود که بریر در زندان از حمایت کنسولی برخوردار است و سفارت فرانسه در تهران «به طور مرتب» با او در تماس است.
در سال‌های گذشته چندین بار ایران شهروندان خارجی یا دو تابعیتی زندانی در ایران را با ایرانیانی که در کشورهای دیگر زندانی هستند، مبادله کرده است.
حدود یک سال پیش، رولان مارشال محقق فرانسوی، که ۸ ماه در ایران زندانی بود با جلال روح‌الله نژاد مهندس ایرانی زندانی در فرانسه معاوضه شد و توانست به فرانسه بازگردد.
در سال ۱۳۸۸ کلوتید ریس، فرانسوی ۲۵ ساله که برای یک فرصت شش ماهه مطالعاتی در دانشگاه اصفهان به ایران سفر کرده بود به دلیل «ایمیل کردن عکس از اعتراضات خیابانی پس از انتخابات» به جاسوسی متهم شد. او ابتدا به ۱۰ سال حبس در ایران محکوم شد اما در جلسات تجدیدنظر این حکم به پرداخت جریمه نقدی معادل ۲۸۵ هزار دلار کاهش یافت و در نهایت آزاد شد.
دو روز پس از آزادی خانم ریس، علی وکیلی راد که ۱۸ سال به جرم قتل شاپور بختیار در فرانسه زندانی بود، پس از آزادی، این کشور را ترک کرد و به ایران بازگشت.

بنجامین بریر، شهروند ۳۶ ساله فرانسوی، در ماه می پارسال، ۲۰۲۰ بازداشت شده است و در زندان وکیل آباد مشهد زندانی است. گفته شده که او در حال عکاسی با پهپاد در مناطق ممنوعه بوده است.
آقای دهقان پیشتر گفته بود که دلیل حکم تبلیغ علیه نظام برای این گردشگر فرانسوی «طرح این سوال در سوشیال مدیا بوده که چرا حجاب در جمهوری اسلامی «اجباری» است ولی در سایر کشورهای اسلامی «اختیاری» و «دلیل اتهام جاسوسی: عکس‌برداری این توریست فرانسوی از مناطق ممنوعه» است.
اعلام قرار مجرمیت این زندانی فرانسوی، یک روز پس از آن است که بلاندین بریر، خواهر بنجامین در یک نامه سرگشاده که در هفته‌نامه فرانسوی «لو پوان» منتشر شد اتهامات وارد شده به برادرش را «بی‌اساس» خواند و به «استفاده ابزاری ایران» از زندانی کردن برادرش برای «پیشبرد مذاکراتش» اشاره کرد.
جمهوری اسلامی ایران بارها متهم شده که با بازداشت شهروندان دوتابعیتی یا شهروندان خارجی از آنها به عنوان اهرم فشار در مذاکراتش استفاده می‌کند، اتهامی که مقام‌های ایرانی تکذیب می‌کنند.
خانم بریر در این نامه از امانوئل مکرون، رییس‌جمهور

توییتر خود با اعلام این خبر نوشت که در مورد دو اتهام دیگر علیه بنجامین بریر «تحت عنوان «فسادفی‌الارض و شرب‌خمر، قرار منع تعقیب صادر شده است.»
آقای دهقان روز یکشنبه ۳۰ مه، در مصاحبه با خبرگزاری فرانسه تأیید کرد که دادسرای مشهد، دو ماه پس از آخرین دفاع از او این قرار را برای موکلش صادر کردند و او به اتهام جاسوسی و تبلیغ علیه نظام محاکمه می‌شود.

اطلاعات روز: پس از یک سال که از بازداشت یک جهانگرد فرانسوی به نام بنجامین بریر می‌گذرد، دادسرای مشهد قرار مجرمیت در مورد دو اتهام جاسوسی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران را برای او صادر کرده است و قرار است محاکمه شود. او یکسال پیش به دلیل عکاسی با پهپاد بازداشت شده است.
به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، سعید دهقان، وکیل او در



آیا زبان پشتو رو به انقراض است؟

سعادت موسوی

به مناسبت روز جهانی زبان پشتو، به صورت اجمالی تأملی کرده‌ام درباره‌ی سرنوشت آینده این زبان، زبانی که در عین حمایت‌های بی‌دریغ سیاسی طی دهه‌های زیاد، چقدر مهجور مانده است. به باور نگارنده زبان‌ها، فی‌ذات فضیلتی ندارند، هر زبان اهمیت و صلابت بر می‌گردد به تعداد گویندگان و مکتوبات به‌امند تألیف‌شده در آن. تنها رغبت و عشق گویش‌وران و آفرینش‌های که در زبان اتفاق می‌افتد، می‌تواند پایداری و تکامل آن را حفظ کند. هر زبانی که با علم، فلسفه، هنر، ادبیات، تکنالوژی و فناوری‌های روز نسبت خویش را تعیین نکند و عطش گویش‌وران خود را سیراب ننماید، در گذر زمان محکوم به زوال و نابودی است. همان‌طور که طی قرن‌ها صدها زبان به جهان آمده و بعد از مدتی از میان رفته‌اند. اگر روزی معادله قدرت در افغانستان تغییر کند و همچنان گویش‌وران زبان پشتو رغبت‌شان بیشتر به زبان انگلیسی و فارسی شود، چه کسی و چه عواملی این زبان را نجات خواهد داد؟

از گذشته‌های بسیار دور، زبان‌ها به دنیا آمده و زیسته‌اند و همین‌طور از میان رفته‌اند. در عصر حاضر این فرایند اضمحلال زبان سرعت یافته و در هر سال، ده زبان در سطح جهان خاموش می‌شود. به باور زبان‌شناسان اگر این روند ادامه یابد، در یک سده‌ی آینده نود درصد زبان‌ها نابود می‌شوند. از جهتی، فرهنگ وابسته به زبان است، با مرگ یک زبان، فرهنگ وابسته به آن نیز از بین می‌رود. تحقیقات نشان می‌دهد که در نابودی زبان‌ها، عوامل عدیده‌ای دخیلند که ابعاد روانشناختی، جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و میزان علاقه‌ی گویش‌وران، اهم آن تلقی می‌شوند. مضاف بر عوامل مزبور، می‌توان تعامل زبان را با زبان‌های دیگر برای بقامندی مهم پنداشت و این‌که زبان چه‌قدر توانایی تعامل با علم و معرفت معاصر را دارد و دست در دست فناوری و اندیشه‌ورزی اکنون می‌دهد (نرمینه معینیان: ۱۳۸۹).

زبان متضمن شیوه خاصی از شناخت طبیعت و انسان، احساس شادی و اندوه و درک معنای رویدادهاست. به‌گونه‌ی مثال، در زبان فارسی و آلمانی، نیایش کردن، عشق ورزیدن، خواب دیدن و استدلال نمودن متفاوت است. با مرگ زبان این امکان سازگاری با جهان و امکان کسب شناخت ویژه نیز از بین خواهد رفت. به باور زبان‌شناسانی مانند ادوارد ساپیر و بنیامین وورف، با طرح نظریه‌ی نسبیّت زبانی معتقدند که ساخت فکر و به تبع آن برداشت کلی ما از جهان خارج تابع ساخت ویژه زبان بومی ماست.



جوزف بارت می‌گوید زبان تا وقتی که بخشی از برنامه درسی و تحقیقی نباشد در معرض خطر است، و ما عملاً این را می‌بینیم که زبان پشتو در اکثریت دانشگاه‌های کشور واجد جایگاه تلقی نمی‌شود و حتا گویندگان اصلی، این زبان را رها کرده‌اند.

آن دیگر خواهانش نیستند؟ موضوع صرفاً خود زبان نیست، بلکه اهمیتی که گویش‌وران برایش قائلند نیز مطرح است. زبان‌ها عمدتاً به دلیل این‌که مردم تصمیم به ترک آن می‌گیرند و آن را به فرزندان‌شان منتقل نمی‌کنند ناپدید می‌شوند. اصطلاح جنگ زبان‌ها استعاره‌ی مناسبی است. اما زبان‌ها به خودی خود قادر نیستند جنگی بر پا کنند. این مردم هستند که برای مبارزه، جنگ یا توافق با یک‌دیگر تلاش می‌کنند. می‌توان با نگاهی به رابطه بین زبان‌های مردم به روابط تضاد آمیزشان پی برد.

در ظاهر مسأله، پشتو زبان‌ها برای بقای زبان مادری خود مبارزه و تلاش می‌کنند، این تلاش محض سیاسی است و گاهی به قیمت سرکوب و آسیب‌رسانی به سایر زبان‌ها منتهی می‌گردد. اما قصه به این سادگی هم نیست. اکثریت پشتو زبان‌های که در کابل سیاست می‌کنند، دست به تجارت می‌زنند و مشغول تحصیل هستند، اکثراً به زبان فارسی صحبت می‌کنند. واقعا آشخور مسأله ترک زبان مادری کجاست؟ پدر و مادر همواره برای موفقیت فرزندان خود آن‌ها را در یادگیری زبان قوی‌تر آزاد می‌گذارند و حتا مشوق آن‌ها در این امر می‌شوند. زمانی که چنین رفتاری تقریباً عمومیت یافت، نسل فرزندان که با دو زبانی نسبی خو گرفته باشند خواه ناخواه زبان اصلی خود را زیر تأثیر این زبان خارجی خواهد یافت. هر گاه فشار زبان قوی‌تر به واسطه نفع اجتماعی آن طی دوره‌ی طولانی ادامه یابد، حرکت نامحسوسی به سوی یک زبان آمیخته و سپس بدتر از آن ترک زبان اصلی به وقوع خواهد پیوست. تعداد بی‌شمار از جوانان پشتو زبان تحصیل‌یافته را شما مشاهده می‌کنید که توان نوشتن به زبان مادری را به صورت درست ندارند، و عملاً یا به فارسی تحقیق می‌کنند یا به زبان انگلیسی. این بی‌رغبتی خود گویش‌وران در عمل به زمان مادری خود، تهدید بالقوه‌ی دیگرست که در طی زمان جوزف بارت می‌گوید زبان تا وقتی که بخشی از برنامه درسی و تحقیقی نباشد در معرض خطر است، و ما عملاً این را می‌بینیم که زبان پشتو در اکثریت دانشگاه‌های کشور واجد جایگاه تلقی نمی‌شود و حتا گویندگان اصلی، این زبان را رها کرده‌اند.

یادداشت: در این مقاله، از مقاله علمی «گاهی به دلایل جامعه‌شناختی نابودی زبان‌ها»، نوشته‌ی نرمینه معینیان، کمک گرفته‌ام؛ مقاله‌ی که در سایت مجله تحقیقات جامعه‌شناختی، تابستان ۱۳۸۹ منتشر شده است.

به متون و آثاری است که طی سده‌ها با آن زبان نوشته، ثبت و ضبط می‌شود. مادامی که پشتو زبان‌ها تحقیقات و پژوهش‌های علمی خود را با زبان‌های دیگر تحریر و تبیین کنند، به زبان مادری خود آسیب می‌زنند. همین‌طور مسأله تفکر و اندیشیدن هم در میان است، زبان فقیر و تکامل‌نیافته، امکان این را در خود ندارد که وارد تعامل با فلسفه و حکمت جهان جدید شود، بشخصه شک دارم که زبان پشتو بتواند فلسفه غرب یا شرق را در خود هضم کند و به مخاطب و گویش‌وران خویش انتقال دهد. زبان فارسی از گذشته‌های دور با عربی در تعامل بوده است، با وجود نگرانی‌های فارسی‌گویان از ورود واژگان بی‌شمار عربی به زبان فارسی، دین عربی و زبان عربی به‌غنامندی این فرهنگ و زبان افزوده است، تا آن‌جایی که فکر می‌کنم پروژه سره‌نویسی در میان فارسی‌گویان یک پروژه شکست خورده است. همین‌طور صنعت ترجمه، به فرهنگ و زبان فارسی کمک فراوان کرده است. با وجود آسیب‌های اندک و ترجمه‌های غیر حرفه‌ای، ما از کانال ترجمه با فلسفه و اندیشه‌ی غرب آشنا شده‌ایم. اما زبان پشتو و گویش‌وران این زبان، این کار را نکرده‌اند و نمی‌کنند. وقتی در کتاب‌فروشی‌های کابل بروید، چند رمان بزرگ جهان و چند تاریخ فلسفه و اثر علمی به زبان پشتو ترجمه شده است؟ جواب خیلی ناامیدکننده است. در دانشگاه‌ها چقدر درس‌گفتارها و پژوهش‌ها به زبان پشتو است؟ چند فیصد در ادارات و بازارهای مالی و اقتصادی مردم به زبان پشتو صحبت می‌کنند؟ آیا این‌ها تهدیدات جدی بالقوه و بالفعل برای زبان پشتو به شمار نمی‌آیند؟

دوم) بی‌رغبتی گویش‌وران معینیان اذعان می‌کند که به ندرت می‌توان زبان یا اصلاحات را برخلاف میل مردم به آن‌ها تحمیل کرد. آیا می‌توان از زبانی حمایت گردد که گویش‌وران

می‌کند. هیچ زبان و فرهنگی دور از این تحولات نمی‌ماند. در جنگ زبانی و فرهنگی، زبان‌هایی تاب‌آوری می‌کنند و بقا می‌یابند که با ارزش‌ها و شاخص‌های زندگانی معاصر هماهنگ باشند. به نظر راقم این سطور، زبان پشتو فاقد توانایی تعامل با جهان امروز است. یا اگر خوش‌بینانه‌تر بگویم در تعامل نیست. سیاست‌گران و صاحب نظران پشتو زبان، به‌جای پشتوسازی، پشتوگرایی می‌کنند. مراد من از پشتوسازی به معنای علمی و غیرسیاسی نگری، به فرهنگ و زبان است. این سیاست‌ورزان، اهتمام بر این دارند که زبان پشتو را به زور به حلقوم مردم فرو کنند. به‌جای این‌که به شالوده‌ای اصلی بقامندی زبان توجه نمایند و زبان پشتو را با فلسفه و حکمت امروز آشتی دهند و وارد کانال علم و فناوری جدید کنند و دست به تولید متن در ساحت این زبان بزنند، برخورد سیاسی می‌کنند. با فشار می‌خواهند زبان پشتو مسلط شود و اقتدار پیدا نماید، اما با زور این کار شدنی نیست و ضمانت پایداری ندارد. پشتو زبان‌های باسواد، زبان تحقیق و تفکرشان اکثراً انگلیسی یا یک زبان بین‌المللی دیگر است. دوست دارند زبان پشتو غنی شود، اما در عمل برای غنامندی زبان‌های دیگر کار می‌کنند. داستان پشتو زبان‌های پاکستان هم تقریباً همین‌گونه است، زبان علم و مکتوبات اداری آنان نیز انگلیسی است. از یک جهت، ارزش زبان‌ها

بنابراین افراد هر جامعه زبانی درباره جهان پیرامون خود نگرش‌های خاصی خواهند داشت. از این‌رو مردمی که به زبان‌های مختلف تکلم می‌کنند جهانی واحد را ادراک نمی‌کنند بلکه برعکس زبان‌های مختلف بر جنبه‌های گوناگون واقعیتی چند وجهی تأکید می‌کنند و به شیوه‌های بسیار متنوعی آن‌ها را از صافی می‌گذرانند. اگر این نظریه را بپذیریم هر زبان را می‌توان تفسیری موقت از جهانی چندان پیچیده دانست که تنها امید برای درک آن برخورد از دیدگاه‌های متفاوت است. اگر هر زبان را حاصل تاریخ طولانی تلاش انسان برای کسب دانش از جهان بدانیم ممکن است دریابیم که چرا تنوع زبان‌ها منبعی گران‌بهاست (همان).

با این مقدمه و اشارات تئوریک، می‌خواهم دو عاملی را ذکر کنم که زبان پشتو را عملاً تهدید می‌کنند و این زبان را آهسته‌آهسته به ساحت نابودی و زوال هدایت می‌نمایند. از سوئی، تحولات و انقراضات در عرصه‌ی فرهنگ و زبان تدریجی است و این باعث می‌شود که فرایند زوال آنان را به وضوح متوجه نشویم.

یک) نسبت زبان پشتو با زمانه

در عصر حاضر، سرعت تولید علم و تکنالوژی خیلی شتابنده است، جهانی شدن این شتاب و انبوه از تولیدات را به سرعت تکثیر

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکت‌ها		قیمت: ۲۰ افغانی
6 Months	120\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	شش ماهه	
Annual	200\$ USD	۷۰۰۰ افغانی	یک ساله	

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: لیلیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی

بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیرمهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۸۷۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

قرضه برای شرکت‌های کوچک-متوسط

خریزی بانک برای رشد و پیشرفت کاروبار و پیش برد پروژه های تان قرضه های کوچک و متوسط را با استرین شرایط به شما پیشنهاد میکند. تمام تجاران افغان که سه پروژه فعلی دارند میتوانند این قرضه که مدت بازپرداخت آن بطور انعطاف از یک الی دو سال میباشد، بدست بیاورند.

www.azizbank.af 1515

عزیزی بانک
Azizi Bank

رهایی از گذشته با شناخت گذشته ممکن است

گفت‌وگوی اسد بودا و علی امیری در کلاب‌هاوس

از یک موقعیت نسبتاً نامأنوس با واقعیت‌های موجود در جامعه، به مسائل نگاه می‌کنند. این موضوعی است که اسد بودا در این گفت‌وگو توضیح داد علی امیری نیز در ابتدا کم‌وبیش با آن درگیر بوده است. به‌عنوان نمونه، پایان‌نامه علی امیری درباره‌ی جایگاه ایمان در اندیشه ویتنگشتاین است و قبل از این‌ها به مباحث هرمنوتیکی و زبانی بیشتر مشغول بوده است. اما به قول خود امیری از حدود بیست سال قبل وضع موجود برای تبدیل به مسأله اساسی می‌شود و تمام تلاش‌هایش در حوزه فلسفه و فرهنگ اسلامی برای این است که نشان بدهد چه امکاناتی را می‌توان برای برون‌رفت از بن‌بست موجود نشان داد. برای همین «تأمل در نفس» و تعیین تکلیف با گذشته محتوای کارهای او را شکل می‌دهد. آگاهی و آزادی در اندیشه‌ی بعضی از متفکران دنیای جدید لازم و ملزوم همدیگرند. برای هگل دست یافتن به آزادی زمانی ممکن بود که قبلاً به آگاهی رسیده باشیم. من فکر می‌کنم چنین چیزی را می‌توان درباره‌ی پروژه فکری علی امیری نیز جست‌وجو کرد. حداقل برای من، کارهای امیری چنین معنایی دارد. تلاش‌های امیری برای این است که از بحران فعلی نجات یابیم. و نجات از بحران فعلی ممکن نیست مگر این‌که شناخت درست از عوامل و منشأ این بحران (که طبیعتاً ریشه در گذشته دارد) داشته باشیم. این امر در واقع بیان می‌کند که فقط فهم و آگاهی است که ما را به آزادی می‌رساند.

احیای سنت بلخ

امیری در کتاب «مخاطرات خرد» بحث مفصلی درباره‌ی مکتب بلخ دارد. او در این بحث توضیح می‌دهد که مکتب بلخ چگونه همزمان دین و فلسفه را درونی می‌کند و ترکیب جدید بیرون می‌دهد. سیاست، توأم با نوعی معنویت در بلخ حاکم بوده است. اما در عین‌حال روح حاکم بر فضای بلخ نه صرفاً مثل آتن فلسفی بوده و نه مثل اورشلیم دینی-الاهیاتی. بلخ، ترکیب این دو است، و یا به اصطلاح خود امیری «بلخ؛ سنتز آتن و اورشلیم» است. برعلاوه، امیری در این گفت‌وگو نیز توضیح داد که «کنون ابدی»، مهم‌ترین ویژگی این فرهنگ است. یعنی مکتب بلخ می‌خواهد همه‌چیز را معاصر بسازد و آن معاصرت را ابدی بسازد و با جریان زمان حرکت کند. شکوفایی معنوی و فضایل مدنی اهمیت اساسی در سنت بلخ دارد.

بلخ، به قول بودا شهر «بی‌نیوت» است اما در عوض به عقل اهمیت فراوان قایل شده است. همان‌طور که امیری نیز توضیح داد بین الحاد و ایمان مرز باریک وجود دارد، و تصوف بلخی به الحاد نزدیک است تا ایمان. همه‌ی این‌ها ناشی از اهمیت امر اکنون در فرهنگ بلخ است. از این لحاظ برداشت من این است که تلاش‌های امیری می‌تواند اقدامی برای احیای این سنت نیز محسوب شود.



اما از طرف دیگر، عقل هیچ‌گاه به وضعیت ایدئال دست نیافته است. چه در سنت غربی و چه در سنت شرقی و اسلامی عقل همواره با بحران‌ها و معضلاتی مواجه بوده است. برای همین فیلسوفانی در این زمینه به تأمل پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند راهکارهایی را برای برون‌رفت از این بحران‌ها مطرح کنند. به‌عنوان نمونه، در سنت تفکر غرب می‌توان از ایمانوئل کانت و ادموند هوسرل نام برد. این دو فیلسوف هر دو تلاش کردند تا معضلات تفکر و فلسفه‌ورزی را شناسایی کنند. زیرا در صورتی که عقل بتواند به این بحران‌ها التفات کند، به پیشرفت‌ها و دستاوردهای نامحدود دست پیدا می‌کند. تلاش کانت در کتاب «نقد عقل محض» این است تا محدودیت‌های عقل را شناسایی کند. کانت می‌گوید اگر عقل بتواند به محدودیت‌های خودش واقف شود و با توجه به این محدودیت فعالیت کند، به پیشرفت‌های بی‌پایان دست می‌یابد. کارهای امیری را می‌توان تلاشی از این نوع دانست. در شکل‌گیری تفکر فیلسوفان مهم در فرهنگ اسلامی، فیلسوفان یونان نقش عمده داشته‌اند و از این لحاظ تأثیر فلسفه یونان بر فلسفه اسلامی امری است انکارناپذیر. فارابی و ابن سینا به‌عنوان مهم‌ترین چهره‌های فکری در جهان اسلام کاملاً تحت تأثیر ارسطو و افلاطون بودند. از این‌رو امیری و بودا در این برنامه توضیح دادند که نحوه مواجهه فیلسوفان مسلمان با تفکر ارسطو در تعیین بحران‌های خرد خیلی مهم است.

تأمل در نفس برای بهبود وضع موجود

یکی از انتقاداتی که بر کار بعضی روشنفکران در افغانستان وجود دارد همان بحث نسبتاً کهنه و اصطلاح دستمالی‌شده‌ی «از خودبیگانگی» است. کسانی که به سمت فلسفه و بحث‌های نظری رو می‌آورند عموماً

در شکل‌گیری تفکر فیلسوفان مهم در فرهنگ اسلامی، فیلسوفان یونان نقش عمده داشته‌اند و از این لحاظ تأثیر فلسفه یونان بر فلسفه اسلامی امری است انکارناپذیر. فارابی و ابن سینا به‌عنوان مهم‌ترین چهره‌های فکری در جهان اسلام کاملاً تحت تأثیر ارسطو و افلاطون بودند.

موضوعی برای مخاطبان او سوالاتی را خلق کند. اسد بودا (گفت‌وگوکننده‌ی اصلی این برنامه) خواستار توضیحات امیری در این خصوص شد. امیری در این باره توضیح داد که منظور او از کلمه‌ی «بازگشت» کاملاً متفاوت با آن چیزی است که گروه‌های سلفی از آن مراد می‌کنند. برای گروه‌های سلفی بازگشت از آن‌رو مهم است که آنان به این باورند ما یک دوره طلایی و ایدئال در گذشته داشته‌ایم و باید برای نجات از بن‌بست‌های فعلی به آن دوره رجوع کنیم، و البته واضح است که این ایده بیشتر ریشه در نوعی توهم و کج‌فهمی دارد. امیری گفت منظور من از بازگشت به گذشته فراخوانی است برای اندیشیدن به بحران عقل.

به باور امیری خرد قدرت خود را از دست داده و خودش تبدیل به «تکرار» شده و از این‌رو حتا نوعی بحران به‌حساب می‌آید. بنابراین می‌شود گفت عقل بیمار شده است و اگر بازگشتی به گذشته صورت می‌گیرد برای مداوای این بیماری و شناخت منشأ بحران است.

یکی از پرسش‌های که در این برنامه مطرح شد این بود که چرا ما به‌جای رجوع به کسانی چون ارسطو، به فیلسوفان معاصر و تأثیرگذار اروپایی رجوع نکنیم، که هم معاصرند و هم با سازوکار دنیای جدید آشنایی بیشتر دارند. به‌عنوان مثال، فیلسوفان مثل کانت و یا هوسرل. امیری توضیح داد و گفت کانت با ما بیگانه است اما ارسطو و افلاطون در فرهنگ اسلامی جایگاه ویژه دارد. زیرا تفکر فیلسوفان مهم اسلامی تحت تأثیر اندیشه این دو فیلسوف بوده‌اند. کار ما باید تعیین نسبت با گذشته باشد، زیرا عقل اگر نتواند نسبت خود را با گذشته تعیین کند کاری از پیش نمی‌برد.

هزار سال با بحران

امیری در این گفت‌وگو توضیح داد که در هزار سال گذشته عقل در فرهنگ اسلامی به بعضی چیزها نیندیشیده و بعضی چیزها را نتوانسته دقیق مورد اندیشیدن قرار بدهد. اما او تلاش کرده است با نشانی کردن این ناندیشیده‌ها و بحران‌ها سرنخی به خواننده بدهد تا باب بحث باز شود. و البته ادامه‌ی این کار به خود خواننده برمی‌گردد و مشخصاً به این‌که مخاطب تا چه حد می‌تواند این بحث را به پیش ببرد و آن را به موضوع جدی و قابل تأمل تبدیل کند تا در نهایت بتواند از آن راهکارهای عملی را بیرون بکشد.

یکی از بحران‌های عمده‌ای که جهان اسلام عملاً با آن درگیر است بحث سلفیت است. گروه‌ها و افرادی در تلاش‌اند تا برای احیای گذشته دست به هر نوع عمل بزنند. از نمونه‌های این تلاش‌ها می‌توان به ظهور گروه‌های تروریستی و بنیادگرایان رادیکال اشاره کرد. اما از طرف دیگر امیری نیز برای بیشتر مخاطبانش به‌عنوان پژوهشگر سنت شناخته شده است. واضح است که چنین

عباس اسدیان

جمعه‌شب گفت‌وگوی اسد بودا با علی امیری در کلاب‌هاوس راجع به جدیدترین کتاب علی امیری (مخاطرات خرد) برگزار شد. اسد بودا و علی امیری چهره‌های آشنا در میان نسل تحصیل کرده هستند. برای همین از این برنامه استقبال نسبتاً خوب صورت گرفت. برعلاوه مخاطبان افغانستانی، مخاطبانی از ایران هم در این برنامه اشتراک کرده بودند. این برنامه که نزدیک به چهار ساعت ادامه یافت دو بخش داشت. در بخش اول اسد بودا پرسش‌هایی را از علی امیری پیرامون روند کار و مسأله‌ی او در کتاب‌هایش مطرح کرد. به‌لحاظ محتوایی این بخش مهم‌ترین قسمت این گفت‌وگو بود و پرسش‌ها و پاسخ‌های مطرح‌شده به خوبی مخاطب را با روند کار و مسأله علی امیری آشنا می‌کرد. در بخش دوم به شنونده‌های این برنامه فرصت داده شد تا دیدگاه‌ها و سوال‌هایشان را درباره‌ی کارهای علی امیری مطرح کنند. البته به‌نظر می‌رسد از میان نزدیک به دوصد شنونده این گفت‌وگو فقط دو-سه نفر این کتاب را (که نزدیک به نیم‌سال است از انتشار آن گذشته) خوانده بودند. از این‌رو بیشتر سوال‌های مطرح‌شده به کتاب «مخاطرات خرد» ارتباط نمی‌گرفت.

«مخاطرات خرد» آخرین اثر از سه‌گانه‌ی علی امیری است. این کتاب سه بخش دارد: بحران منطق، بحران عقل، بحران تفکر. تا به‌حال چند یادداشت بر این کتاب نوشته شده است که به باور نویسنده‌ی کتاب هیچ‌کدام این یادداشت‌ها با مسأله اصلی کتاب تماس برقرار نکرده‌اند. و البته امیری یادآوری کرد که توقع او از مخاطب افغانستانی‌اش بسیار کم است؛ زیرا مخاطبان جدی او در داخل افغانستان از تعداد انگشتان یک دست بیشتر نمی‌شود. دو کتاب قبلی، به ترتیب «خواب خرد» و «خرد آواره» تأملاتی پیرامون وضع موجود و بررسی زوال و ظهور عقلانیت در جهان اسلام می‌باشند. مضاف بر این، امیری کارهای محققان دیگری نیز انجام داده است، از جمله تصحیح کتاب «اشارات و تنبیهات» ابن سینا. بودا، در این گفت‌وگو خاطر نشان کرد که تصحیح اشارات و تنبیهات یکی از مهم‌ترین و نادرترین کارهای فکری در سال‌های اخیر در کابل بوده است.

علی امیری در یک تلاش پیوسته و نظام‌مند سرگذشت خرد در فرهنگ اسلامی را مورد بررسی قرار داده است. «مخاطرات خرد» با نام فرعی «پدیدارشناسی بحران عقل در فرهنگ اسلامی» تلاشی است برای متوجه کردن عقل به بحران‌ها و آفت‌های که با آن دست به‌گریبان است. از این‌رو توقع می‌رفت سوال‌های جدی و تازه از نویسنده پرسیده می‌شد، اما سوال‌هایی که در این برنامه پرسیده شد عموماً سوال‌هایی بود که اگر ما کتاب‌های امیری را خوانده باشیم می‌توانیم جواب آن‌ها را بفهمیم.

F45 فروشگاه F45 افتتاح شد!

سرک عمومی قلعه فتح الله، بین سرک ۸ و ۹، سعادت پلازا، کابل - افغانستان.

www.f45.af/info